

# در دو صفحهٔ روبه‌روی هم این کتاب، چه می‌بینید:

یه خیلی‌سبزی با کتاب گام به گامش دیگه به کتاب درسی‌هاش نیاز نداره، چون توی گام به گامش هم درس‌نامهٔ کارآمد داره و هم متن سؤال‌های کتاب درسی رو کامل داره. حالا ببینیم چه‌جوری راحت از کتاب گام به گامت استفاده کنی:

**1** براساس نیازهای یادگیری هر درس، دو مدل درس‌نامه داری، یکیش آموزش به روش سؤال‌های امتحانی از خط‌به‌خط کتاب درسی که داری این‌جا می‌بینی یکیش هم آموزش متن‌محوره که تو درسی مفهومی‌تر می‌بینی.

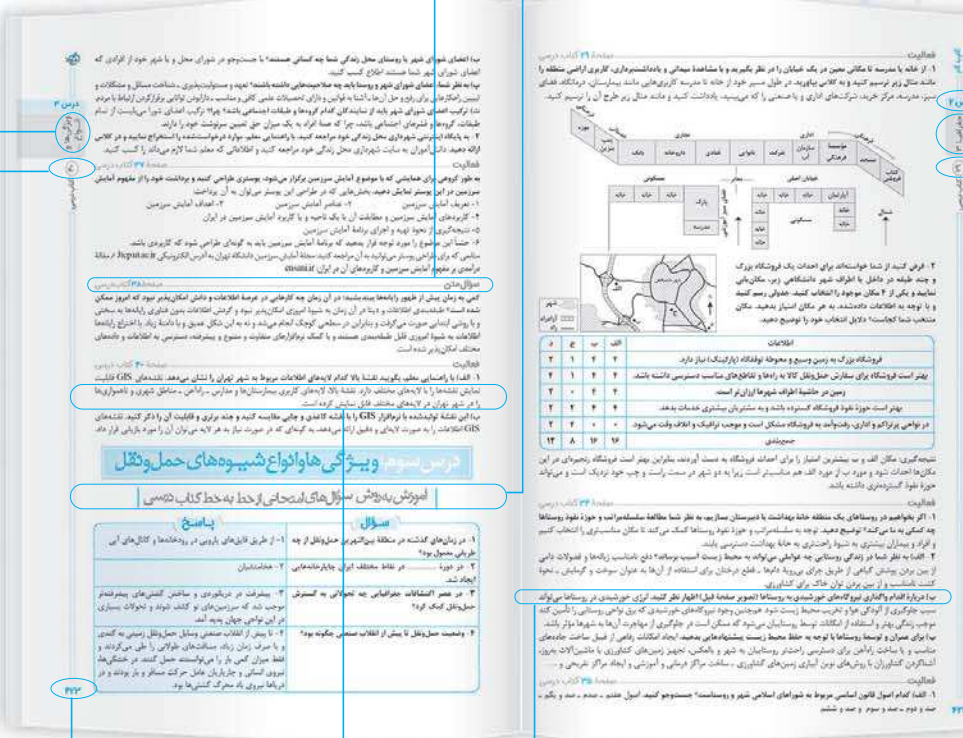
**2** شمارهٔ درس یا فصلی رو که قراره بخونی، این‌جا می‌بینی.

**3** اسم کتاب رو تو این قسمت می‌بینی.

**1b** تو این‌جا می‌بینی که قراره چه پرسشی و تو چه صفحه‌های از کتاب درسی پاسخ داده بشه.

**9** اسم درس یا فصل رو تو این قسمت می‌بینی.

**8** این عدد نشون میده که آخرین تمرینی که تو این صفحه اومده مربوط به چه صفحه‌ای از کتاب درسیه.



**4** این عدد نشون میده که اولین تمرینی که تو این صفحه اومده مربوط به چه صفحه‌ای از کتاب درسیه تا با ورق زدن سریع کتاب هم بتونی پرسشی به هدف.

**5** متن پرسش‌های کتاب درسی به صورت پررنگ براتون آورده شده.

**6** پاسخ‌های تشریحی مؤلفای حرفه‌ای مون رو هم به صورت کم‌رنگ براتون آوردیم.

**7** حُب، این‌جا هم که شمارهٔ صفحه کتاب گام به گام خودمون! کتاب گام به گام دوازدهم انسانی، ۸۰۸ صفحه داره.

### دین و زندگی ۳

۲	بخش اول: تفکر و اندیشه
۶	درس ۱: هستی بخش
۱۸	درس ۲: یگانه بی همتا
۳۰	درس ۳: توحید و سبک زندگی
۴۲	درس ۴: فقط برای تو
۵۴	درس ۵: قدرت پرواز
۶۶	درس ۶: سنت‌های خداوند در زندگی
۷۸	بخش دوم: در مسیر
۸۲	درس ۷: در گرو کار خویش
۹۴	درس ۸: بازگشت
۱۰۸	درس ۹: زندگی در دنیای امروز و ...
۱۲۲	درس ۱۰: پایه‌های استوار
۱۳۲	درس ۱۱: عصر شکوفایی
۱۴۶	درس ۱۲: نگاهی به تمدن جدید
۱۵۶	درس ۱۳: مسئولیت بزرگ ما
	آزمون‌ها

### فارسی ۳

۱۰	ستایش: ملکا ذکر تو گویم
۱۱	فصل ۱: ادبیات تعلیمی
۱۲	درس ۱: شکر نعمت
۱۵	کارگاه متن پژوهی
۱۸	گنج حکمت: گمان
۱۹	درس ۲: مست و هشیار
۲۰	کارگاه متن پژوهی
۲۲	شعرخوانی: در مکتب حقایق
۲۵	فصل ۲: ادبیات پایداری
۲۶	درس ۳: آزادی
۲۸	کارگاه متن پژوهی
۳۰	گنج حکمت: خاکریز
۳۲	درس ۴: (آزاد) از یک انسان
۳۳	کارگاه متن پژوهی
۳۴	درس ۵: دماوندیه
۳۶	کارگاه متن پژوهی
۳۸	روان خوانی: جاسوسی که الاغ بود!
۴۵	فصل ۳: ادبیات غنایی
۴۶	درس ۶: نی نامه
۴۸	کارگاه متن پژوهی
۵۱	گنج حکمت: آفتاب جمال حق
۵۲	درس ۷: در حقیقت عشق

۵۴

کارگاه متن پژوهی

۹۵

شعرخوانی: صبح ستاره‌باران

۹۶

فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی

۹۸

درس ۸: از پاریز تا پاریس

۹۹

کارگاه متن پژوهی

۱۰۱

گنج حکمت: سه مرکب زندگی

۱۰۳

درس ۹: کویر

۱۰۴

کارگاه متن پژوهی

۱۰۹

روان خوانی: بوی جوی مولیان

۱۱۰

فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی

۱۱۳

درس ۱۰: فصل شکوفایی

۱۱۳

کارگاه متن پژوهی

۱۱۴

گنج حکمت: تیرانا!

۱۱۵

درس ۱۱: آن شب عزیز

۱۱۷

کارگاه متن پژوهی

۱۱۸

شعرخوانی: شکوه چشمان تو

۱۱۹

فصل ۶: ادبیات حماسی

۱۲۲

درس ۱۲: گذر سیاوش از آتش

۱۲۲

کارگاه متن پژوهی

۱۲۸

گنج حکمت: به جوانمردی کوش

۱۳۰

درس ۱۳: خوان هشتم

۱۳۲

کارگاه متن پژوهی

۱۳۷

شعرخوانی: ای میهن!

۱۳۸

فصل ۷: ادبیات داستانی

۱۴۰

درس ۱۴: سی مرغ و سیمرغ

۱۴۰

کارگاه متن پژوهی

۱۴۵

گنج حکمت: کلان تر و اولی تر

۱۴۷

درس ۱۵: (آزاد) حدیث جوانی

۱۴۸

کارگاه متن پژوهی

۱۴۹

درس ۱۶: کباب غاز

۱۵۰

کارگاه متن پژوهی

۱۵۷

روان خوانی: ارمیا

۱۵۸

فصل ۸: ادبیات جهان

۱۶۱

درس ۱۷: خنده تو

۱۶۱

کارگاه متن پژوهی

۱۶۲

گنج حکمت: مسافر

۱۶۳

درس ۱۸: عشق جاودانی

۱۶۵

کارگاه متن پژوهی

۱۶۶

روان خوانی: آخرین درس

۱۶۶

نیایش: لطف تو

۱۶۸

آزمون‌ها

۱۷۰

### نگارش ۳

۱۲	درس ۱: خاطره‌نگاری
۳۰	درس ۲: نگارش ادبی (۱)، نثر ادبی
۴۴	درس ۳: نگارش ادبی (۲)، قطعه ادبی
۶۰	درس ۴: نامه‌نگاری
۸۰	درس ۵: نگارش علمی، مقاله‌نویسی (۱)
۹۶	درس ۶: نگارش علمی، مقاله‌نویسی (۲)

### عربی، زبان قرآن ۳

۱	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ ...
۱۹	الدَّرْسُ الثَّانِي: الْوَجْهُ النَّافِعُ وَالْوَجْهُ ...
۳۷	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيْرَةٍ ...
۵۳	الدَّرْسُ الرَّابِعُ: نِظَامُ الطَّبِيْعَةِ
۷۱	الدَّرْسُ الْخَامِسُ: يَا إِلَهِي
	آزمون‌ها

### انگلیسی ۳ (Student Book)

۱۵	درس ۱
۴۳	درس ۲
۷۱	درس ۳
	آزمون‌ها
	ضمائم

### انگلیسی ۳ (Work Book)

۷	درس ۱
۲۵	درس ۲
۴۳	درس ۳

### سلامت و بهداشت

۳۵۱	فصل ۱: سلامت
۳	درس ۱: سلامت چیست؟
۱۲	درس ۲: سبک زندگی
۳۵۴	فصل ۲: تغذیه سالم و بهداشت ...
۱۹	درس ۳: برنامه غذایی سالم
۳۳	درس ۴: کنترل وزن و تناسب اندام
۴۰	درس ۵: بهداشت و ایمنی مواد غذایی
۳۶۵	فصل ۳: پیشگیری از بیماری‌ها
۴۹	درس ۶: بیماری‌های غیرواگیر
۶۷	درس ۷: بیماری‌های واگیر

۳۷۴	فصل ۴: بهداشت در دوران نوجوانی	۳۷۴
۷۹	درس ۸: بهداشت فردی	۳۸۱
۱۰۱	درس ۹: بهداشت ازدواج و باروری	۳۸۳
۱۱۱	درس ۱۰: بهداشت روان	۳۸۸
	فصل ۵: پیشگیری از رفتارهای پرخطر	۳۸۸
۱۲۹	درس ۱۱: مصرف دخانیات و الکل	۳۹۲
۱۳۸	درس ۱۲: اعتیاد به مواد مخدر ...	۳۹۵
	فصل ۶: محیط کار و زندگی سالم	۳۹۵
۱۵۵	درس ۱۳: پیشگیری از اختلالات ...	۳۹۹
۱۷۰	درس ۱۴: پیشگیری از حوادث خانگی	۴۰۳
	آزمون‌ها	

### جغرافیا ۳

۲	درس ۱: شهرها و روستاها	۴۰۹
۲۱	درس ۲: مدیریت شهر و روستا	۴۱۶
۴۲	درس ۳: ویژگی‌ها و انواع شیوه‌های ...	۴۲۳
۵۹	درس ۴: مدیریت حمل و نقل	۴۲۹
۸۲	درس ۵: ویژگی‌ها و انواع مخاطرات ...	۴۳۵
۱۰۰	درس ۶: مدیریت مخاطرات طبیعی	۴۴۱
	آزمون‌ها	۴۴۷

### تاریخ ۳

۲	درس ۱: تاریخ‌نگاری و منابع ...	۴۵۲
۱۶	درس ۲: ایران و جهان در آستانه ...	۴۵۵
۳۲	درس ۳: سیاست و حکومت در ...	۴۶۰
۴۷	درس ۴: اوضاع اجتماعی، اقتصادی ...	۴۶۶
۶۱	درس ۵: نهضت مشروطه ایران	۴۷۰
۷۸	درس ۶: جنگ جهانی اول و ایران	۴۷۵
۹۲	درس ۷: ایران در دوره حکومت ...	۴۸۱
۹۹	درس ۸: جنگ جهانی دوم و جهان ...	۴۸۳
۱۱۴	درس ۹: نهضت ملی‌شدن صنعت ...	۴۹۰
۱۲۷	درس ۱۰: انقلاب اسلامی	۴۹۴
۱۳۹	درس ۱۱: استقرار و تثبیت نظام ...	۴۹۹
۱۵۰	درس ۱۲: جنگ تحمیلی و دفاع ...	۵۰۲
	آزمون‌ها	۵۰۷

### تحلیل فرهنگی

۹	فصل اول: مفاهیم و کلیات	۵۱۳
۱۱	درس ۱: چیستی فرهنگ	۵۱۳
۱۸	درس ۲: چرایی شناخت فرهنگ ...	۵۱۷
۲۵	درس ۳: چگونگی تحلیل فرهنگی	۵۱۹

۳۳	فصل ۲: تحولات فرهنگی	۵۲۳
۳۵	درس ۱: تغییرات و تحولات فرهنگی	۵۲۳
۴۵	درس ۲: ارتباطات فرهنگی	۵۲۶
۵۷	درس ۳: نقش رسانه‌ها در تحولات ...	۵۳۱
۶۵	فصل ۳: فرهنگ ما ایرانیان	۵۳۵
۶۷	درس ۱: تداوم و پیوستگی فرهنگی ...	۵۳۵
۷۹	درس ۲: انسجام فرهنگی ما ایرانیان	۵۳۹
۸۷	درس ۳: فرهنگ ما ایرانیان	۵۴۳
۹۵	فصل ۴: مسائل فرهنگی ایران	۵۴۶
۹۷	درس ۱: فرهنگ و اقتصاد	۵۴۶
۱۰۸	درس ۲: فرهنگ و اخلاق	۵۵۰
۱۱۵	درس ۳: ما و دگرگونی‌های فرهنگی	۵۵۴
	آزمون‌ها	۵۵۹

### فلسفه ۲

۱	بخش ۱: پیرامون واقعیت و هستی	۵۶۳
۲	درس ۱: هستی و چیستی	۵۶۳
۸	درس ۲: جهان ممکنات	۵۶۵
۱۳	درس ۳: جهان علی و معلولی	۵۶۸
۲۲	درس ۴: کدام تصویر از جهان؟	۵۷۲
۲۹	بخش ۲: پیرامون خدا و عقل	۵۷۵
۳۰	درس ۵: خدا در فلسفه (قسمت اول)	۵۷۵
۴۱	درس ۶: خدا در فلسفه (قسمت دوم)	۵۷۸
۵۲	درس ۷: عقل در فلسفه (قسمت اول)	۵۸۲
۵۹	درس ۸: عقل در فلسفه (قسمت دوم)	۵۸۴
۶۹	بخش ۳: نگاهی اجمالی به سیر ...	۵۸۸
۷۰	درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام	۵۸۸
۷۸	درس ۱۰: دوره میانی	۵۹۲
۸۷	درس ۱۱: دوران متأخر	۵۹۵
۹۷	درس ۱۲: حکمت معاصر	۵۹۸
	آزمون‌ها	۶۰۲

### جامعه‌شناسی ۳

۲	درس ۱: ذخیره دانشی	۶۰۶
۱۰	درس ۲: علوم اجتماعی	۶۰۹
۱۹	درس ۳: نظم اجتماعی	۶۱۳
۳۲	درس ۴: کنش اجتماعی	۶۱۷
۴۲	درس ۵: معنای زندگی	۶۲۰
۵۴	درس ۶: قدرت اجتماعی	۶۲۴
۷۱	درس ۷: نابرابری اجتماعی	۶۳۱
۸۶	درس ۸: سیاست هویت	۶۳۸

۹۷	درس ۹: پیشینه علوم اجتماعی ...	۶۴۳
۱۰۹	درس ۱۰: افق علوم اجتماعی در ...	۶۴۶
	آزمون‌ها	۶۵۰

### علوم و فنون ادبی ۳

۱۱	فصل یکم	۶۵۵
۱۲	درس ۱: تاریخ ادبیات قرن‌های ...	۶۵۵
۲۲	درس ۲: پایه‌های آوایی ناهمسان	۶۶۰
۲۹	درس ۳: مراعات‌نظیر، تلمیح و تضمین	۶۶۶
۳۸	کارگاه تحلیل فصل	۶۶۹
۴۱	فصل دوم	۶۷۲
۴۲	درس ۴: سبک‌شناسی قرن‌های ...	۶۷۲
۴۸	درس ۵: اختیارات شاعری (۱): زبانی	۶۷۵
۵۷	درس ۶: لَف و نشر، تضاد و متناقض‌نما	۶۸۲
۶۴	کارگاه تحلیل فصل	۶۸۶
۶۷	فصل سوم	۶۸۸
۶۸	درس ۷: تاریخ ادبیات قرن چهاردهم ...	۶۸۸
۸۳	درس ۸: اختیارات شاعری (۲): وزنی	۶۹۴
۸۸	درس ۹: اغراق، ایهام و ایهام تناسب	۷۰۰
۹۳	کارگاه تحلیل فصل	۷۰۲
۹۵	فصل چهارم	۷۰۴
۹۶	درس ۱۰: سبک‌شناسی دوره معاصر ...	۷۰۴
۱۰۴	درس ۱۱: وزن در شعر نیمایی	۷۰۷
۱۱۲	درس ۱۲: حسن تعلیل، حس آمیزی ...	۷۱۲
۱۱۸	کارگاه تحلیل فصل	۷۱۴
	آزمون‌ها	۷۱۸

### ریاضی و آمار ۳

۱	فصل ۱: آمار و احتمال	۷۲۶
۲	درس ۱: شمارش	۷۲۶
۱۲	درس ۲: احتمال	۷۳۴
۲۸	درس ۳: چرخه آمار در حل مسائل	۷۴۷
۴۵	فصل ۲: الگوهای خطی	۷۵۹
۴۶	درس ۱: مدل‌سازی و دنباله	۷۵۹
۶۱	درس ۲: دنباله‌های حسابی	۷۶۹
۷۳	فصل ۳: الگوهای غیرخطی	۷۷۹
۷۴	درس ۱: دنباله هندسی	۷۷۹
۸۶	درس ۲: ریشه نام و توان گویا	۷۸۸
۹۵	درس ۳: تابع نمایی	۷۹۴
	آزمون‌ها	۸۰۳



## Lesson 1: Sense of Appreciation

### Interesting Facts:

حقایق جالب

- Helping others lowers blood pressure.  
فکُتْس ایتترستینگ  
پرشِر بِلاد لُارز آدرز هِلپینگ
  - Kindness boosts energy and strength in elderly people.  
پیل اَلدِرلی این سترنگت اَند اِنزجی بوستس کاینڈنس
  - Teenagers who help others are more successful in life.  
لایف این سکسشُل مُر آر اَدِرز هَلپ هُو تین اِیجرز
  - Listening to the advice of older people improves our lives.  
لایوز اُور اِیمپروُوز پیل اَلدر اُو اِدوایس ذِ تو لیسِنینگ
  - Taking care of grandchildren increases brain function and memory.  
مَموری اَند فائکشن برین اینکریسز گرنڈچیلدرن اُو کز تیکینگ
- کمک کردن به دیگران فشار خون را پایین می آورد.  
محبت، انرژی و قدرت را در افراد مسن افزایش می دهد.  
نوجوان هایی که به دیگران کمک می کنند در زندگی موفق تر هستند.  
گوش دادن به نصیحت افراد بزرگ تر زندگی ما را بهبود می بخشد.  
مراقبت کردن از نوه ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می دهد.

### درس ۱

Sense of Appreciation

### Vocabulary

#### Title Page

۱- حس، (در جمع) حواس ۲- احساس سِنس /sens/ **sense**  
اِپری شی اِی شِن /ə,prɪ:ʃi'eɪʃən/ **appreciation**  
قدردانی، تقدیر، سپاس  
سِنس اُو اِپری شی اِی شِن **sense of appreciation**  
حس قدردانی، قدرشناسی  
۱- پایین آوردن ۲- کم کردن لُار /louər/ **lower**  
فشار خون بِلاد پرشِر /'bləd prefə/ **blood pressure**  
مهربانی، محبت، لطف کاینڈنس /'kaɪndnəs/ **kindness**  
زیاد کردن، افزایش دادن، تقویت کردن بوست /bu:st/ **boost**  
قدرت، توان، نیرو سترنگت /streŋθ, strenθ/ **strength**  
مسن، سالخورده اَلدِرلی /'eldərli/ **elderly**  
افراد مسن اَلدِرلی پیل /eldərli pi:pəl/ **elderly people**  
تین اِیجر /'ti:neɪdʒər/ **teenager**  
نوجوان

توصیه، نصیحت اِدوایس /əd'vaɪs/ **advice**  
بهبودبخشیدن اِیمپروُو /ɪm'pru:v/ **improve**  
تیک کِر اُو /teɪk keər əv/ **take care of**  
مواظبت کردن از، مراقبت کردن از  
نوه گرنڈچاِیلد /'græntʃaɪld/ **grandchild**  
افزایش دادن، افزایش یافتن اینکریس /ɪn'kri:z/ **increase**  
کارکرد، عملکرد، نقش فائکشن /'fʌŋkʃən/ **function**  
برین فائکشن /breɪn 'fʌŋkʃən/ **brain function**  
عملکرد مغز  
مَموری /'meməri/ **memory**  
حافظه

#### Get Ready

ریسپِکت /rɪ'spekt/ **respect**  
احترام گذاشتن به، تحسین کردن  
مِمبِر /'membər/ **member**  
عضو

<b>each other</b> /i:tf 'ʌðər/	ایچ آذر	یکدیگر، همدیگر	<b>textbook</b> /'tekstbʊk/	تِکسْت‌بُوک	کتاب درسی
<b>donate</b> /'dounet/	دُنِیت	خون و غیره) اهدا کردن	<b>disease</b> /di'zi:z/	دِیْزِیْز	بیماری
<b>cruel</b> /'kru:əl/	کروال	بی‌رحم، ظالم، سنگدل	<b>by the way</b> /baɪ ðə weɪ/	بای ذِ وِی	راستی
<b>lazy</b> /'leɪzi/	لِیْزِی	تنبل	<b>might</b> /maɪt/	مایت	گذشته (ممکن بودن، احتمال داشتن)
<b>loving</b> /'lʌvɪŋ/	لایوینگ	مهربان، بامحبت			

### Conversation

**temperature** /'temprətʃər/ تمپرچر  
۱- درجه حرارت، دما ۲- تب

**take sb's temperature** تیک سام‌بادیز تمپرچر  
تب کسی را اندازه گرفتن

**physician** /fə'zi:ʃən/ فیزیشن  
ریگارد /rɪ'gɑ:rd/ ریگارد  
۱- دانستن، تلقی کردن، قلمداد کردن ۲- توجه، ملاحظه

**regard sb as** کسی را ... دانستن / قلمداد کردن ریگارد سام‌بادی از  
متعهد، پایبند

**dedicated** /'dedɪkeɪtəd/ دِدی‌کی‌تد  
دریغ کردن، مضایقه کردن  
**spare** /speər/ سِپِر

۱- درد ۲- (در جمع) تلاش، کار  
**pain** /peɪn/ پِین  
**spare no pains to do sth** سِپِر ن پِینز تو دُ سام‌تِینگ

از هیچ کاری مضایقه نکردن  
**distinguished** /di'stɪŋgwɪʃt/ دِیس‌تِین‌گویشْت

معروف، مشهور، برجسته  
**surprisingly** /sə'praɪzɪŋli/ سِپِر‌ایزِینگلی

با کمال تعجب، به طور شگفت‌انگیزی  
**not surprisingly** نات سِپِر‌ایزِینگلی

عجیب نیست که، تعجبی ندارد که  
**found** /faʊnd/ فَوُند

تأسیس کردن، بنیان نهادن  
**the Children's Medical Center** مرکز طبی کودکان  
**catch** /kætʃ/ کَچ

۱- [بیماری] مبتلا شدن به ۲- [قطار و غیره] رسیدن به، گرفتن  
**terrible** /'terɪbəl/ تِربِل

شدید، خیلی بد، افتضاح  
**catch the flu** /kætʃ ðə flu:/ کَچِ ذِ فلو  
به آنفلوآنزا مبتلا شدن کَچِ ذِ فلو

درباره ... شنیدن  
**hear of** /hɪər əv/ هِیِرِ اَو  
**be sure about sth** بی شُر اَبُوت سام‌تِینگ

در مورد چیزی مطمئن بودن  
**be born** /bi bɔ:rn/ بی بُرن

متولد شدن  
**receive** /rɪ'si:v/ رِی‌سیو  
دریافت کردن، گرفتن

دیپلم، مدرک تحصیلی  
**diploma** /di'plɒmə/ دِپِلِمَا  
در خارج  
**abroad** /ə'bra:d/ اِبْرَاد

۱- پزشکی، طب ۲- دارو  
**medicine** /'medəsn/ مِدیسن  
زادگاه، وطن  
**hometown** /'houmlænd/ هُوم‌لَند

۱- صمیمی ۲- نزدیک  
**close** /kloʊs/ کِلوس  
**be helpful to sb** /bi 'helpfəl tu: sʌmbɑ:di/

به کسی کمک کردن  
**pity** /'pɪti/ پِیتی  
مایه تأسف، دلسوزی  
**It's a pity!** /ɪts ə 'pɪti/ اِیتز اِ پِیتی  
حیف شد، مایه تأسف است! ایتز اِ پِیتی

استاد (دانشگاه)، پروفیسور  
**professor** /prə'fesər/ پْرِفِسِر

### New Words and Expressions

**sofa** /'sɒfə/ سُفا  
کاناپه  
**feed** /fi:d/ فِید  
غذادادن به

**pigeon** /'pi:dʒɪn/ پِیچِن  
کبوتر  
**shout** /ʃaʊt/ شَوُت  
فریادکشیدن، دادزدن

**shout at sb** /ʃaʊt æt sʌmbɑ:di/ شَوُت اَت سام‌بادی  
شوت آت سام‌بادی  
سر کسی دادزدن

**be hard of hearing** /bi hɑ:rd əv 'hɪrɪŋ/ بی‌هارد‌اوهی‌یرینگ  
بی‌هارد‌اوهی‌یرینگ / (کسی) سنگین بودن  
گوش (کسی) سنگین بودن

**hug** /hʌg/ هَاگ  
در آغوش گرفتن، بغل کردن  
**lap** /læp/ لَپ  
دامان، پا (قسمت بالای ران)

**on sb's lap** /ɑ:n sʌmbɑ:diz læp/ اِن سام‌بادیز لَپ  
آن سام‌بادیز لَپ  
روی پاهای کسی، در دامان کسی

**burst** /bɜ:rst/ بَرِشت  
منفجر شدن، ترکیدن  
**tear** /tiər/ تِی‌یر  
اشک

**burst into tears** بَرِست اِین تو تِی‌یرز  
زدن زیر گریه  
**score** /skɔ:ɪ/ سَکور  
نمره، امتیاز

**repeatedly** /ri'pi:tɪdli/ رِی‌پِی‌تِدی  
بارها، به کرات  
**politely** /pə'laɪtli/ پِلایْتلی  
مؤدبانه، به طور مؤدبانه‌ای

**forgive** /fə'gɪv/ فِرِگیو  
بخشیدن، عفو کردن  
**be angry with sb** /bi'æŋgri wið sʌmbɑ:di/

از دست کسی عصبانی بودن  
**vase** /veɪs, veɪz/ وِیس  
گلدان

**calmly** /'kɑ:mli/ کَاْملی  
آرام، به آرامی  
**diary** /'daɪəri/ دایری  
دفتر خاطرات، دفتر یادداشت

**keep a diary** /ki:p ə daɪəri/ کِیپ اِ دایری  
کِیپ اِ دایری  
خاطرات خود را نوشتن

**record** /rɪ'kɔ:rd/ رِی‌کُرد  
یادداشت کردن، نوشتن  
**thought** /θɑ:t/ ثَات  
اندیشه، فکر

**happen** /'hæpən/ هَپِن  
اتفاق افتادن

### Reading

**quietly** /'kwaɪətli/ کَوایْتلی  
آرام، به آرامی  
**reply** /rɪ'plai/ رِپِلای  
پاسخ دادن، جواب دادن

۱- دوم، دومین ۲- ثانیه  
**second** /'sekənd/ سِکَنْد  
۱- مدت، زمان  
**while** /waɪl/ وایِل

۲- هنگامی که، در حالی که  
**after a little while** /æftər ə litl waɪl/ اَفْتِر اِ لیتل وایِل  
بعد از مدت کمی

سوم، سومین  
**third** /θɜ:rd/ ثِرْد  
۱- ادامه دادن ۲- ماندن، نگه داشتن  
**keep** /ki:p/ کِیپ

### درس ۱

<b>keep doing sth</b> /ki:p dʊɪŋg sth/	کپیپ دوئینگ سام‌تینگ	<b>pancake</b> /'pænkeɪk/	پن‌کیک، کیک تابه‌ای
	به کاری ادامه‌دادن، هم‌چنان به کاری ادامه‌دادن	<b>discover</b> /dɪs'kʌvər/	دیس‌کاوِر / کشف کردن
<b>again and again</b> /ə'geɪn, ə'geɪn/	اِگن اِنْداِگن / بارها، به کرات	<b>solution</b> /sə'lju:ʃən/	سُلوشِن / راه‌حل، جواب، پاسخ
<b>a little later</b> /ə lɪtl leɪtər/	اِ لیتل لی‌تر / کمی بعد	<b>cancer</b> /'kænsər/	کَنسِر / سرطان (پزشکی)
<b>kindly</b> /'kaɪndli/	کاینْدلی / با مهربانی، با محبت	<b>develop</b> /dɪ'veləp/	دی‌ولوپ / ۱- تولید کردن ۲- توسعه‌دادن
<b>pause</b> /pə:z/	پاز / مکث کردن، درنگ کردن	<b>by accident</b> /baɪ'æksɪdɪnt/	بای اِکسی‌دِنْت / اتفاقی، تصادفی
<b>aloud</b> /ə'laʊd/	اَلود / صدای بلند، با صدای بلند	<b>for instance</b> /fɔ:ɪr 'ɪnstəns/	فَور اِنْسْتَنس / مثلاً، برای مثال
<b>lovingly</b> /'lʌvɪŋli/	لاوینْگلی / با مهربانی، با محبت	<b>accidentally</b> /æksɪ'dentəli/	اِکسی‌دِنْتلی / برحسب تصادف
<b>feel angry</b> /fi:l æŋgri/	فیل اِنگری / عصبانی شدن	<b>microwave oven</b> /'maɪkrəweɪv ʌvən/	مایکروویو اُون / مایکروویو (اجاق)
<b>kiss</b> /kɪs/	کیس / بوسیدن		
<b>care for</b> /'keər fɔ:ɪr/	کِر فُور / مراقبت کردن از		

<b>once</b> /wʌns/	وانس / ۱- زمانی، یک وقتی ۲- یک بار	<b>energy</b> /'enədʒi/	انِرْجی / انرژی
<b>generate</b> /'dʒenəreɪt/	جِنِرِیت / به وجود آوردن، تولید کردن	<b>more interestingly</b> /mɔ:ɪr 'ɪntrəstɪŋli/	مُور اِنْتِرِستِینْگلی / جالب‌تر این‌که

### Vocabulary Development

<b>collocation</b> /kə'lə'keɪʃən/	هم‌نشین، هم‌آیند کالوکی‌شن
<b>mistake</b> /mɪ'steɪk/	میس‌تیک / اشتباه
<b>make a mistake</b> /meɪk ə mɪ'steɪk/	میک اِ میس‌تیک / اشتباه کردن

### Grammar

<b>be known as</b> /bi nɒn æz/	بی نُن اِز / به عنوان ... معروف بودن، به عنوان ... شناخته شدن
<b>of all time</b> /əv ə:l taɪm/	اِو اِل تائم / در تاریخ، در تمام دوران
<b>all the time</b> /ə:l ðə taɪm/	اِل ذِ تائم / همیشه، همواره
<b>A.D. (Anno Domini)</b> /,eɪ 'di:ni/	ای دی / بعد از میلاد (مسیح)، میلادی

<b>sometime</b> /'sʌmtaɪm/	سام‌تائم / زمانی، یک روزی، روزی
<b>childhood</b> /'tʃaɪldhʊd/	چایلْدهود / (دوران) کودکی، (دوران) بچگی
<b>receive education</b> /rɪ'si:v edʒə'keɪʃən/	ری‌سیو اِجُوکی‌شن / آموزش دیدن
<b>by heart</b> /baɪ hɑ:rt/	بای هارت / از حفظ، از بر
<b>learn by heart</b> /lɜ:n baɪ hɑ:rt/	لِرْن بای هارت / حفظ کردن، از بر کردن
<b>mostly</b> /'mɔ:stli/	مُستلی / عمدتاً، غالباً، بیشتر
<b>be remembered for sth</b> /bi rɪ'membəd fɔ:ɪr sʌmθɪŋ/	به خاطر ... معروف بودن، به خاطر ... در یادها ماندن

<b>poetry</b> /'pəʊətəri/	پوآتِری / شعر
<b>ethic</b> /'eθɪk/	اِثیک / (در جمع) اصول اخلاقی، اخلاق
<b>countless</b> /'kaʊntləs/	کانتِلِس / بی‌شمار، بی‌اندازه، بسیار زیاد
<b>inspiration</b> /,ɪnspɪ'reɪʃən/	اِن‌سپِری‌شن / الهام، منبع الهام، الهام‌بخش
<b>author</b> /'a:θər/	اَثِر / نویسنده

### Listening and Speaking

<b>tool</b> /tu:l/	تول / ابزار، وسیله
<b>dishwasher</b> /'dɪʃ,wɑ:ʃər/	دیش‌واشِر / ماشین ظرف‌شویی
<b>ordinary</b> /'ɔ:rdənəri/	اِرْدینِری / عادی، معمولی

### What's wrong with him? /waɪts rə:ɪŋ wɪθ hɪm/

<b>condition</b> /kən'dɪʃən/	کَنْدِیْشن / شرط، وضعیت، (در جمع) شرایط
<b>serious</b> /'sɪəriəs/	سِری‌اِس / جدی، مهم
<b>generous</b> /'dʒenərəs/	جِنِرِش / بخشنده، سخاوتمند
<b>How's everything?</b> /haʊz 'evriθɪŋ/	هَوا ایز اِوِری‌ثینگ / اوضاع چگونه؟

<b>project</b> /'prɔ:dʒekt/	پراجِکت / پروژه، طرح
<b>responsibility</b> /rɪ'spɒnsɪ'bɪləti/	رِسپانْس‌اِبِلِیتی / مسئولیت
<b>consider</b> /kən'sɪdər/	کَنسِیدِر / در نظر گرفتن، به حساب آوردن

<b>gym</b> /dʒɪm/	جیم / سالن ورزش، باشگاه ورزشی
<b>depend on</b> /dɪ'pend ən/	دی‌پِنْد اِن / بستگی داشتن به، وابسته بودن به
<b>seem</b> /si:m/	سِیم / به نظر رسیدن
<b>honestly</b> /ə:nəstli/	اِنِستلی / راستش را بخواهی، صادقانه
<b>chess</b> /tʃes/	چِس / شطرنج
<b>prefer</b> /prɪ'fɜ:ɪr/	پری‌فِر / ترجیح دادن

### Writing

<b>omelet</b> /'ə:mleɪt/	اَمِلِت / (آشپزی) املت
<b>pink</b> /pɪŋk/	پینک / صورتی
<b>enjoyable</b> /ɪn'dʒɔɪəbəl/	اِن‌جُوی‌اِبِل / لذت‌بخش، دلپذیر، خوشایند
<b>take a rest</b> /teɪk ə rest/	تِیک اِ رِست / استراحت کردن
<b>comfortable</b> /'kʌmfətəbəl/	کامْفُتِبل / راحت، آسوده

**rarely** /'reərli/ رَرلی به ندرت  
**hate** /heit/ هیت متنفر بودن از  
**install** /ɪn'stɑ:l/ اینستال (دستگاه، نرم افزار) نصب کردن

**What you Learned**

**care** /keər/ کر اهمیت دادن، ناراحت کردن  
**accept** /ək'sept/ اِکسپت پذیرفتن، قبول کردن  
**knowledge** /'nɑ:lɪdʒ/ نالیج دانش  
**wisdom** /'wɪzdəm/ ویزدم خرد، عقل، خردمندی  
**so far** /səʊ fa:r/ سُو فار تاکنون  
**yet** /jet/ یت ۱- با وجود این ۲- هنوز  
**heritage** /'herətɪdʒ/ هِریتج میراث  
**regarding** /rɪ'gɑ:rdɪŋ/ رِیگاردینگ درباره، در مورد، راجع به  
**be proud of** /bi praʊd əv/ بی پْرود آو افتخار کردن به، احساس غرور کردن  
**belong** /bɪ'la:ŋ/ بیلانگ (به) تعلق داشتن (به)، متعلق بودن (به)  
**belonging** /bɪ'la:ŋɪŋ/ بیلانگینگ تعلق، وابستگی  
**a sense of belonging** /ə sens əv bɪ'la:ŋɪŋ/ احساس تعلق، تعلق خاطر  
**importantly** /ɪm'pɔ:rtəntli/ ایمپورتنتلی مهم این که، به طور عمد، اساساً

**more /most importantly** مُر / مُشت ایمپورتنتلی مهم تر این که، از آن مهم تر این که  
**responsibility** /rɪ'spɑ:nsɪ'bɪləti/ رِشپان سبیلیتی مسئولیت  
**generation** /,dʒenə'reɪʃən/ جِنریشن نسل  
**add** /æd/ آد اضافه کردن، افزودن  
**What I can add at the end** وات آی کَن آد اَتِ دِ اِنْد چیزى که در آخر می توانم اضافه کنم

**role** /roul/ رُل نقش  
**moral** /'mɔ:rəl/ مُرل ۱- (در جمع) اصول اخلاقی، اخلاق ۲- اخلاقی  
**principle** /'prɪnsɪpəl/ پْرِینسپِل ۱- اصل، مبانی ۲- (در جمع) اصول اخلاقی  
**elder** /'eldə/ اَلْدِر بزرگ تر  
**either ... or ...** /'i:ðər/ اِیذِر ... آر ... یا ... یا ...  
**bring up** /brɪŋ 'ʌp/ برینگ آپ [کودک] بزرگ کردن، تربیت کردن  
**willing** /'wɪlɪŋ/ وِیلینگ مایل، مشتاق، علاقه مند  
**be willing to do sth** بی وِیلینگ تُو دو سام ٲینگ بی وِیلینگ تُو دو سام ٲینگ که، خواستن که  
**guideline** /'gaɪdlaɪn/ گایدلاین رهنمون، توصیه  
**peaceful** /'pi:sfəl/ پِیسفول آرام، ساکت، صلح جو  
**blessing** /'blesɪŋ/ بِلْسینگ نعمت، موهبت

**متضاد**

found ≠ finish, end	keep ≠ give up, stop	care for ≠ harm
strength ≠ weakness	boost ≠ decrease, lower	elderly ≠ young
ordinary ≠ strange, special,	lower ≠ boost, raise, increase,	hate ≠ like, love
specific	develop	countless ≠ few
distinguished ≠ ordinary, usual	pause ≠ begin, start	peaceful ≠ noisy, unfriendly
enjoyable ≠ boring	terrible ≠ good, nice, beautiful	past ≠ today, present (workbook)

**مترادف**

found = start, create, begin	countless = many, lots of	care for = look after, take care of
reply = answer	terrible = bad	ordinary = normal, general, usual
lower = decrease	keep = continue	close = friendly
eldery = old	loving = kind, friendly	enjoyable = pleasant
distinguished = well-known,	willing = ready	donate = give
famous	guideline = advice	regarding = about
strength = power	regard = attention	aloud = loudly
record = write down	for instance = for example	peaceful = quiet, calm
score = mark, grade	hate = dislike	pause = stop
principle = rule	elder = older	poetry = poems
hence = so, therefore, thus	physician = doctor	author = writer
sense = feeling	boost = increase, raise, develop	solution = answer
lovingly = kindly	develop = produce, make	
quietly = calmly, peacefully		

این چهار تصویر، مربوط به موضوع «قدرشناسی» و شیوه‌هایی است که افراد می‌توانند با مراقبت از یکدیگر برای داشتن زندگی بهتر انجام دهند.



Helping and supporting each other

کمک و حمایت از یکدیگر



Spending time together as a family

اوقاتی را به عنوان یک خانواده با هم گذراندن



Blood donation

اهدای خون



Taking care of elders

مراقبت از بزرگ‌ترها

Get Ready

A. Match the pictures with the following sentences.

تصویرها را با جمله‌های زیر جور کنید.



4



3



2



1

1. We have to take care of elderly people.

ما باید از افراد مسن مراقبت کنیم.

بی‌پل الدلی او کر تیک تو هو وی

2. Children should respect their parents.

بچه‌ها باید به والدینشان احترام بگذارند.

پرتس ذیر ریسپکت شود چیلدرن

3. Family members should listen to each other.

اعضای خانواده باید به حرف‌های یکدیگر گوش کنند.

اذر ایچ تو لیسن شود ممبرز فمیلی

4. We can help many people by donating what they need.

ما می‌توانیم به افراد زیادی با اهدا کردن آن‌چه نیاز دارند کمک کنیم.

نید ذی وات دنیینگ بای بی‌پل منی هِلپ کن وی

B. Why are these people famous?

چرا این افراد معروف هستند؟

1. Rizali Khajavi

ریزعلی فواجوی

Rizali Khajavi (Dehghan-e Fadakar) is known as a national hero. He bravely saved the lives of passengers of a train. In a cold winter, he took off his coat, set it on fire and ran toward an express train to stop it.

ریزعلی فواجوی (دهقان فداکار) به عنوان قهرمان ملی شناخته شده است. او شجاعانه جان مسافران یک قطار را نجات داد. در یک زمستان سرد، او کت خود را درآورد و آن را آتش زد و به سمت یک قطار سریع‌السیر دوید تا آن را متوقف کند.

2. Hassan Omidzadeh

حسن امیدزاده

He was a teacher who risked his own life and saved 30 students when the class was burning.

او معلمی بود که زندگی خودش را به خطر انداخت و هنگامی که کلاس در حال سوختن بود، ۳۰ دانش‌آموز را نجات داد.

3. Jabbar Baghcheban

جبار باغچه‌بان

He is famous for opening the first Iranian kindergarten and the first deaf school for Iranian kids. He is the author of the book 'Method of Teaching the Deaf'.

او به خاطر تأسیس اولین مهدکودک ایرانی و اولین مدرسه ناشنوایان برای کودکان ایرانی معروف است. او نویسنده کتاب «شیوه آموزش به ناشنوایان» است.

4. Abbas Babaei

عباس بابایی

He is known as one of the greatest war heroes of Iran. He was an Air Force pilot. During the Iran-Iraq war he took part in several successful missions to defend our country.

او یکی از بزرگ‌ترین قهرمانان جنگی ایران است. او خلبان نیروی هوایی بود. در طول جنگ ایران و عراق او برای دفاع از کشورمان در چندین مأموریت موفقیت‌آمیز شرکت کرد.

How do you feel when you read about these people?

وقتی در مورد این افراد می‌خوانید چه احساسی می‌کنید؟

When I read about these people I feel proud.

وقتی در مورد این افراد می‌خوانم احساس غرور می‌کنم.



## C. Write appropriate nouns after the following adjectives. Then check (✓) the positive adjectives.

بعد از صفت‌های زیر اسم‌های مناسب بنویسید. سپس صفت‌های مثبت را تیک بزنید.

<input checked="" type="checkbox"/> a polite student پُلایت اِ	یک دانش‌آموز مؤدب	<input type="checkbox"/> a cruel soldier کروال اِ	یک سرباز ظالم
<input type="checkbox"/> some lazy boys لی‌زی سام	تعدادی پسر تنبل	<input checked="" type="checkbox"/> two kind friends کایند تو	دو دوست مهربان
<input checked="" type="checkbox"/> a loving family لاوینگ اِ	یک خانوادهٔ بامهربت	<input checked="" type="checkbox"/> some careful drivers کِرْفَل سام	چند رانندهٔ با دقت

Conversation \_\_\_\_\_ صفحهٔ ۱۹ و ۲۰ کتاب درسی

Sara has been in the Children's Medical Center for a week. She has caught a terrible flu. The

doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall.

وال ذِ آن مَن ألد آن أو فتوگرف اِ ایز ذِر بتر گت تو ذِر سُتی تو هر تُلد داکتر

While the nurse is taking her temperature, they start talking.

تاکینگ ستارت ذی تمپرچر هر تیکینگ ایز نرس ذِ وایل  
سارا به مدت یک هفته در مرکز طبی کودکان بوده است. او به آنفلوآنزای شدیدی مبتلا شده است. دکتر به او گفت که در آنجا بماند تا بهتر شود. عکس مرد مسنی بر روی دیوار وجود دارد. هنگامی که پرستار دارد تبش را اندازه می‌گیرد آن‌ها شروع به حرف زدن می‌کنند.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

بی‌ششید، اون مرد توی عکس کیه؟

بیچجر ذِ این مَن دت ایز هو می اِکس کیوز سارا

Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

قریب محمد داکتر او هرد اور یو هو هیم ن یو دنت ا نرس

اوه، او رو نمی‌شناسی؟ آیا تاکنون دربارهٔ دکتر محمد قریب شنیده‌ای؟

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

ایت ایوت شر نات ایم بات بوک اینگلیش مای این نیم هیز سین اُنلی هو ای گس ای سارا  
فکر می‌کنم نامش رو فقط در کتاب انگلیسی ام دیده‌ام ولی در موردش مطمئن نیستم.

Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.

دکتر قریب پزشک معروفی بود.

فیزیشن فیمس اِ واز قریب داکتر نرس

Sara: Oh ... can you tell me a little about his life?

اوه ... ممکنه کمی در مورد زندگی اش به من بگی؟

لایف هیز ایوت لیتل اِ می تل یو کن ا سارا

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study

medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center

سنتَر ذیس نرّین این هم‌لند هیز تو بک کیم ذن اند فیزیشن اِ بی‌کیم هی نرّین این مدسن  
فرتی سون  
سیکستین

was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.

فوندز کلوس هیز او وان اند قریب داکتر بای فوند واز  
دکتر قریب در سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شد. بعد از دریافت دیپلمش، به قارچ رفت تا پزشکی بخونه. در سال ۱۳۱۶ پزشک شد و سپس به زادگاهش برگشت. در سال ۱۳۴۷ این مرکز توسط دکتر قریب و یکی از دوستان صمیمی اش تأسیس شد.

Sara: Really? I didn't know that.

واقعاً؟ نمی‌دونستم.

دت ن دیدنت ای ریلی سارا

Nurse: Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very

friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

فیزیشن ددی‌کی‌تد اِ از رگاردد واز هی سپرایزینگلی نات فمیلیز پور تو هِلپ‌فُل اند فرندلی  
دکتر قریب مرد بخشنده‌ای هم بود. او برای معالجهٔ کودکان بیمار از هیچ کاری مضایقه نمی‌کرد. او نسبت به خانواده‌های فقیر خیلی صمیمی بود و به او کمک می‌کرد. عجیب نیست که او به عنوان پزشکی متعهد قلمداد می‌شد.

Sara: It's a pity! I didn't know such a great man.

مایهٔ تأسفه! چنین مرد بزرگی رو نمی‌شناختم.

مَن گریت اِ ساچ ن دیدنت ای یتتی اِ ایتز سارا

**Nurse: He was known as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on**

**children's diseases was written by him. He taught medicine to thousands of students.**

سْتیوَدنتسِ اَوِ نَاوَزِنْدَزِ تَوِ پَرَفْسَرِ یُونیورسیتی دِیسِ تینِ گویشْتِ اِ اَزِ نُنِ وَازِ هِیِ نَرَسِ  
اَوِ بَهِ عَنوَانِ اسْتَارِ بَرِیْسْتَهٗ دَانِشْکَهِ نِیْزِ مَعْرُوفِ بُوْد. اَوَلِیْنِ کُتَابِ دَرِسیِ فَارْسِیِ دَرِ مَوْرِدِ بَیْمَارِیِ هَایِ کُودِکَانِ تَوَسُطِ اَوِ نُوْشْتَهٗ شُد. اَوِ بَهِ هَزَارَانِ  
دَانِشْجُو، پَزِشْکِیِ اَمُوقَتِ.  
اَوِه، چِهِ مَرْدِ بَزْرُگِیِ بُوْدِه!

**Sara: Oh, what a great man he was!**

وَازِ هِیِ مَنِ گَرِیْتِ اِ وَاتِ اُ سَارَا

**Nurse: By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's**

**students!**

سْتیوَدنتسِ

رَاسْتِی، مَمْکَنَهٗ جَالِبِ بَاشَهٗ بَدُوْنِیِ کِهٖ دَکْتَرْتِ یَکِیِ اَزِ دَانِشْجُوْهَایِ دَکْتَرِ قَرِیْبِ بُوْد.  
وَاقَعاً؟! چَالِبِه!

**Sara: Really?! That's interesting!**

اِیْنْتَرِسْتِیْنِگِ دَنْسِ رِیْلِیِ سَارَا

## Questions

**Answer the following questions orally.**

**به سوالات زیر به صورت شفاهی پاسخ دهید.**

**1. When was Dr. Gharib born?**

دَکْتَرِ قَرِیْبِ کِیِ مَتَوَلَدِ شُد؟

بُرُنِ قَرِیْبِ دَاکْتَرِ وَازِ وِنِ

He was born in Tehran in 1288.

اَوِ دَرِ سَالِ ۱۲۸۸ دَرِ تِهْرَانِ مَتَوَلَدِ شُد.

**2. Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician?**

پَرَا دَکْتَرِ قَرِیْبِ بَهِ عَنوَانِ پَزِشْکِیِ مَهْرَبَانِ قَلَمْدَادِ مِیِ شُد؟

فِیْزِیْشِنِ کَایْنَدِ اِ اَزِ رِیْگَارِدِدِ قَرِیْبِ دَاکْتَرِ وَازِ وَایِ

Because he spared no pains to cure sick children and he was very friendly and helpful to poor families.

پَیُوْنِ کِهٖ اَوِ بَرَایِ مَعَالِیْهٗ کُودِکَانِ بَیْمَارِ اَزِ هِیْچِ کَارِیِ مَضَایِقهٗ نَمِیِ کَرْدِ وَ نَسَبَتِ بَهٗ مَانُوَادَهٗ هَایِ فَخِیْرِیِ مَهْرَبَانِ بُوْدِ وَ بَهٗ اَنِّ هَا کَمْکِ مِیِ کَرْد.

**3. Have you seen Dr. Gharib TV series?**

اَیَا شَمَا سَرِبَالِ دَکْتَرِ قَرِیْبِ رَا دِیْدِهٗ اَیْد؟

سِیْرِیْزِ تِیِ وِیِ قَرِیْبِزِ دَاکْتَرِ سِیْنِ یُوِ هُوِ

Yes, I have. / No, I haven't.

بَلِه، دِیْدِهٗ اَمِ. / نِه، نَدِیْدِهٗ اَمِ.

**New Words and Expressions**

سَفْحَهٗ هَایِ ۲۱ تا ۲۳ کِتَابِ دَرِسیِ

**A. Look, Read and Practice.**

نَگَاهِ کُنِیْدِهٗ، بَخُوَانِیْدِ وَ تَمْرِیْنِ کُنِیْدِ.



**Hamid sits on the sofa and watches**

وَاجِزِ اَنْدِ سُفَا دِ اَنِّ سِیْتِسِ حَمِیْدِ

**TV all the time.**

تَا بِیْمِ دِ اَلِّ تِیِ وِیِ

حَمِیْدِ هَمِیْشَهٗ رُویِ کِتَابَهٗ مِیِ نَشِیْنَدِ وَ تَلُوِیْزِیُوْنِ تَمَاشَا مِیِ کُنَد.



**Dad really shouted at me when I**

اَیِ وِنِ مِیِ اَتِ شُوْتِیْدِ رِیْلِیِ دَدِ

**didn't do my homework.**

هَمُورْکِ مَایِ دُوِ دِیْدِنْتِ

وَ قَتِیِ تَکَا لِیْفَمِ رَا اَنْبَا مِ نَدَامِ، بَا بَا فِیْلِیِ سَرِ مَنِ دَا دَزِد.



**My grandfather feeds the pigeons**

بِیْجِنَزِ دِ فِیْدِزِ گَرَنْدَفَاذِرِ مَایِ

**in the park every morning.**

مُرُنِیْنِگِ اِوْرِیِ پَارْکِ دِ اِیْنِ

پَدْرِ بَزْرُگَمِ هَرِ رُوْزِ صَبِیْحِ دَرِ پَارْکِ بَهٗ کَبُوْتَرَهَا غِذَا مِیِ دِهَد.



**We have to speak louder because**

بِیْکَازِ لُوْدِرِ سِپِیْکِ تَوِ هُوِ وِیِ

**my grandmother is hard of hearing.**

هِیِ یَرِیْنِگِ اَوِ هَارْدِ اِیْزِ گَرَنْدَمَاذِرِ مَایِ

مَامِیْجُوْرِ هَسْتِیْمِ بَلَنْدِ تَرِ صَمِیْتِ کُنِیْمِ چُوْنِ مَادِرِ بَزْرُگَمِ گُوشِشِ سَنْگِیْنِ اَسْت.



Ferdowsi **was born** in a village near Toos.

توس نیبر ویلیج اِ این بُرنِ واز فردوسی  
فردوسی در یک روستا نزدیک توس متولد شد.



My uncle went to his son and **hugged** him.

هیچ هاگد آند سان هیز تو وِنت آنکل مای  
عمویم به سمت پسرش رفت و او را در آغوش گرفت.



My little sister sits on my mother's **lap** all the time.

تایم ذِ آل لپِ مادِرِ مای آن سیتس سیستِر لِیتل مای

فواهر کوپلم همیشه بر روی پاهای مادر می نشیند.

## B. Read and Practice.

**burst into tears:** to cry suddenly

سادنلی کُرای تو تی برز این تو پرست  
Aida **burst into tears** when she saw her score.

سُکور هر سا شی وِن تی برز این تو پرست آیدا  
**repeatedly:** many times

تایمز منی ری پی تدلی  
I've told Mohsen **repeatedly** to talk politely to his teachers.

تیچرز هیز تو پُلاتلی تاک تو ری پی تدلی محسن تُلد آیو  
**forgive:** to stop being angry with someone

ساموان ویث آنگری بی اینگ سَتاپ تو فُرگیو  
Mom **forgave** me for breaking the vase.

ویس ذِ بَرِیکینگ فُر می فُرگیو مام  
**calmly:** in a quiet way

وی کوآیت اِ این کافلی  
He always speaks slowly and **calmly**.

کافلی آند سُلولی سِپیکز آل ویز هی

**diary:** a book in which you record your thoughts or feelings or what has happened every day

دی اوری هَپند هَز وات اُر فیلینگز اُر ثانس یُر ریگُرد یو ویچ این بوک اِ دایری  
دختر فاطمات: دختری که در آن افکار یا احساسات خود یا آنچه هر روز اتفاق افتاده است را یادداشت می‌کند.  
I have **kept a diary** for twelve years.  
من به مدت دوازده سال است که فاطماتم را می‌نویسم.

پرز توالو فُر دایری اِ کپت هُو آی

**C. Go to part 'Vocabulary' of your workbook and do B and C.**

به بخش «واژگان» کتاب کار بروید و (تمرین‌های) B و C را انجام دهید.

## Reading

صفحه‌های ۲۴ و ۲۵ کتاب درسی

**Respect your Parents** (به والدینتان احترام بگذارید)

پرنس یُر ریس پکت  
On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house.

هوس هر این سفا ذِ آن سیتینگ واز وُمن آلد آن مرنینگ شپرنینگ اِ آن  
در یک صبح بهاری، خانم مسنی در خانه‌اش بر روی یک کاناپه نشسته بود.  
پسر جوانش داشت روزنامه می‌خواند.

Her young son was reading a newspaper.

نیوزپی پر اِ ریدینگ واز سان یانگ هر  
Suddenly a pigeon sat on the window.

ناگهان یک کبوتر کنار پنجره نشست.

ویند ذِ آن ست پیچن اِ سادنلی  
The mother asked her son quietly, "What is this?"

مادر به آرامی از پسرش پرسید، «این چیست؟»

ذیس ایز وات کوآیتلی سان هر آسکت ماذر ذِ

The son replied: "It is a pigeon."

ذیسن ایجن ایز ایت ریپلاید سان ذ

After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?"

ذیس ایز وات تایم سیکند ذ فُر سان هر اسکت شی مینتس فیو ا اَفتَر

بعد از چند دقیقه، او برای بار دوم از پسرش پرسید، «این چه؟»

The son said, "Mom, I have just told you, "It's a pigeon."

ذیسن ایجن ای ایتس یو تُلد جاست هو ای مام سد سان ذ

پسر گفت، «مامان، همین الان بهت گفتم، کبوتره، یه کبوتره.»

After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?"

ذیس ایز وات تایم ثرد ذ فُر سان هر اسکت ماذر اُلد ذ وایل لیتل ا اَفتَر

بعد از مدت کمی، مادر مسن برای بار سوم از پسرش پرسید، «این چه؟»

This time the son shouted at his mother, "Why do you keep asking me the same question again and

again? Are you hard of hearing?"

اَند اِگن کواِسچن سیم ذ می اَسکینگ کیپ یو دو وای ماذر هیز اَت شوُند سان ذ تایم ذیس

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary.

دایری اُلد آن ویث بک کیم اَند روم هر تو وِنت ماذر ذ لی تر لیتل ا

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفتر خاطرات قدیمی برگشت.

She said, "My dear son, I bought this diary when you were born."

بُرُن وِر یو وِن دایری ذیس بات آی سان دی یر مای سد شی

او گفت: «پسر عزیزم، من این دفتر خاطرات رو وقتی به دنیا اومدی خریدم.»

Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page.

پیچ ذَت رید تو سان هر اسکت کایندلی اَند پیچ ا اُپند شی ذِن

سپس او یک صفحه را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست آن صفحه را بخواند.

The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

اُلُود ایت ریدینگ سَتارتد اَند پاژد پیچ ذ اَت لوکث سان ذ

پسر به آن صفحه نگاه کرد، مکثی کرد و با صدای بلند شروع به خواندن آن کرد:

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window.

ویندُ ذ آن سَت پیچن ا وِن لَب مای آن سیتینگ واز سان لیتل مای تودی

امروز وقتی یک کبوتر کنار پنجره نشست، پسر کوچکم بر روی باهایم نشسته بود.

My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon.

پیچن ا واز ایت ذَت تایمز فیفتین آل هیم تو ریپلاید آی اَند تایمز فیفتین واز ایت وات می اسکت سان مای

پسر ۱۵ بار از من پرسید که آن چیست، و من همه ۱۵ بار به او جواب دادم که آن یک کبوتر است.

I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again.

اِگن اَند اِگن کواِسچن سیم ذ می اسکت هی وِن تایم ایچ لاونگی هیم هاگد آی

وقتی او همان سؤال را بارها می پرسید من هر بار او را با مهربانی بغل می کردم.

I did not feel angry at all.

من اصلاً عصبانی نشدم.

آل اَت اَنگری فیل نات دید آی

I was actually feeling happy for my lovely child.

در واقع من برای پسر دوست داشتنی ام احساس خوشحالی می کردم.

چایلد لاولی مای فُر هپی فیلینگ اَکچولی واز آی

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive

me; please forgive me." فُرگیو مام مام ری بی تدلی سد اَند ماذر اُلد هیز هاگد تیبیز این تو پرست سان ذ سادنلی

ناگهان پسر زد زیر گریه، مادر پسرش را در آغوش گرفت و بارها گفت، «مامان، مامان منو ببخش؛ لطفاً منو ببخش.»

می فُرگیو پلیز می

The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once

cared for us." وانس هو ذُر فُر کر ماست وی کاملی سد اَند هیم کیست سان هر هاگد وُمن اُلد ذ

آن قائم مسن پسرش را در آغوش گرفت، او را بوسید و به آرامی گفت، «ما باید از کسانی که زمانی از ما مراقبت کردند، مراقبت کنیم.»

آس فُر کرد

We all know how parents cared for their children for every little thing.

تینگ لیتل اوری فُر چیلدرن ذیر فُر کرد پرنس هاو ن آل وی

ما همه می دانیم که والدین چگونه برای هر چیز کوچکی از بچه هایشان مراقبت می کردند.

## Children must love them, respect them, and care for them."

ذِم فُر کَر اَنَد ذِم رِسِپِکَت ذِم لَو ماسَت چیلدِرِن  
 بچه‌ها باید عاشق آن‌ها باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و از آن‌ها مراقبت کنند.»

صفحه ۲۵ کتاب درسی

## Question generation (روشن تولید سؤال)

«تولید سؤال» روشی است که در درک و فهم بهتر متن به خواننده کمک می‌کند. به این صورت که خواننده همین خواندن متن، در مورد نکات و ایده‌های مهم سؤال‌های معناداری از خودش می‌پرسد و خودش به سؤال‌هایش پاسخ می‌دهد تا متن را بهتر بفهمد. با استفاده از این روش، خواننده به پای این که فقط به سؤال‌های متن یا دبیر پاسخ بدهد، به سؤال‌های خودش جواب می‌دهد. برای انجام این روش، مراحل زیر را دنبال کنید:

۱- متن را بخوانید. ۲- نکات و ایده‌های مهم را پیدا کنید. ۳- برای هر نکته مهم یا ایده مهم یک سؤال پرسید. ۴- به سؤالات پاسخ بدهید. برای این کار، می‌توانید از کلمات پرسشی زیر استفاده کنید:

سؤال	پاسخ احتمالی
Who	شخص چه کسی، چه کسی را
What	شیء، توصیف یا فرایند چه، چه چیزی (را)
Where	مکان کجا

سؤال	پاسخ احتمالی
When	زمان چه موقع، کی
Why	دلیل چرا
How	مقدار، تعداد یا توصیف چه طور، چگونه

## درس‌نامه

## ترتیب کلمات در جملات سؤالی

بعد از کلمات پرسشی، جمله به شکل سؤالی به کار می‌رود.

... + فاعل + فعل to be + کلمه پرسشی

What **is** she **washing** now?

او الان دارد چه چیزی را می‌شوید؟

... + شکل ساده فعل + فاعل + فعل کمکی + کلمه پرسشی

When **does** she **wash** her car?

او کی ماشینش را می‌شوید؟

When **did** she **wash** her car?

او کی ماشینش را شست؟

به زبان ساده‌تر برای سؤالی کردن با کلمه پرسشی:

ابتدا آن را در اول جمله می‌نویسیم و پاسخ آن را حذف می‌کنیم. بعد بقیه جمله را سؤالی می‌کنیم. برای سؤالی کردن هم اگر فعل کمکی (am, is, are, was, were, will, can, should, may, must, has, had, have, ...) در جمله بود، آن را در ابتدای جمله (قبل از فاعل) می‌نویسیم ولی اگر فعل کمکی نبود، از فعل کمکی (did, does, do) استفاده می‌کنیم.

برای مثال، برای سؤالی کردن جمله زیر با کلمه پرسشی **when**، آن را در ابتدای جمله می‌نویسیم و پاسخ آن (next year) را حذف می‌کنیم و بعد بقیه جمله را سؤالی می‌کنیم.

Tom **will buy** a car **next year**.

تا ۴ سال آینده یک ماشین خواهد خرید.

When **will** Tom **buy** a car?

تا ۴ چه موقع ماشین خواهد خرید؟

برای سؤالی کردن با کلمه پرسشی **what**، چند حالت وجود دارد:

۱ اگر **what** به معنی (چه، چه چیزی) باشد و مفعول را مورد سؤال قرار دهد. در این صورت، در ابتدا پاسخ آن را که مفعول است، حذف می‌کنیم و بعد بقیه جمله را سؤالی می‌کنیم.

What **will** Tom **buy** next year?

تا ۴ سال آینده چه چیزی خواهد خرید؟

۲ اگر **what** به معنی (چه کار) باشد و فعل را مورد سؤال قرار دهد؛ در این صورت، در ابتدا پاسخ آن را که فعل و مفعول (buy a car) است، حذف می‌کنیم. چون جمله بدون فعل نداریم، به جای فعل حذف‌شده، از فعل **do** استفاده می‌کنیم و بعد بقیه جمله را سؤالی می‌کنیم.

What **will** Tom **do** next year?

تا ۴ سال آینده چه کار خواهد کرد؟

۳ چنانچه **what** به معنی (چه چیزی) برای غیرانسان و هم‌چنین **who** به معنی (چه کسی) برای انسان، فاعل را مورد سؤال قرار دهند. بعد از این دو کلمه پرسشی، جمله خبری به کار می‌رود به عبارتی، در ابتدا **who** یا **what** را به جای فاعل می‌نویسیم و دیگر نیازی به سؤالی کردن بقیه جمله نیست.

Who **will buy** a car next year?

چه کسی تا ۴ سال آینده ماشین خواهد خرید؟

The fire **destroyed** the building.

آتش سافتمان را ویران کرد.

What **destroyed** the building?

چه چیزی سافتمان را ویران کرد؟

**نکته** در این مورد حواستان باشد که بعد از **who** یا **what** فعل باید به صورت مفرد (**is, was, works, has**) باشد هر چند که فعل جمله جمع باشد.

Who **washes** your car on Fridays.

چه کسی **همه‌ها** ماشین شما را می‌شوید؟

My brothers **wash** my car on Fridays.

برادرهایم **همه‌ها** ماشین من را می‌شوید.

**توجه** به ترتیب کلمات در جمله‌های زیر توجه کنید. در جمله اول **Who** در حالت مفعولی، و در جمله دوم، **Who** در حالت فاعلی است.

John helps Jane.

جان به **بین** کمک می‌کند.

Who(m) **does John** help? Jane.

جان به **چه** کسی کمک می‌کند؟ **بین**.

Who **helps** Jane? John.

چه کسی به **بین** کمک می‌کند؟ **جان**.

**نکته** برای پرسیدن در مورد تعداد، از کلمه پرسشی **How many** (چندتا، چه تعداد، چند نفر) استفاده کنید و بعد از **How many** باید از اسم جمع استفاده کنید.

How many **cars do you have**?

**چندتا** ماشین دارید؟

How many **windows were** there?

**چندتا** پنجره وجود داشت؟

**نکته** برای پرسیدن در مورد مقدار از کلمه پرسشی **How much** (چه مقدار) استفاده می‌کنیم. بعد از **How much** اسم غیر قابل شمارش به کار ببرید.

How much **water did he drink**?

او **چه** مقدار آب خورد؟

How much **rice is there** in the kitchen?

**چه** مقدار برنج در آشپزخانه وجود دارد؟

**نکته** برای پرسیدن در مورد قیمت از کلمه پرسشی **How much** (چه قدر) استفاده می‌کنیم.

How much **is** this car?

قیمت این ماشین **چه قدر** است؟

## Reading Comprehension \_\_\_\_\_ صفحه ۲۶ کتاب درسی

**A. Read the passage. Generate at least five questions with the question starters and then answer them.**

متن را بخوانید. با استفاده کلمات پرسشی آغازکننده، حداقل پنج سؤال بسازید و سپس به آن‌ها پاسخ دهید.

1. **When** did this story happen?

این داستان کی اتفاق افتاد؟

It happened on a spring morning.

آن در یک صبح بهاری اتفاق افتاد.

2. **Where** was the old woman sitting?

آن خانم مسن کجا نشسته بود؟

سیتینگ وُمنُ اَلدِ ذِ وَاذِ وِر

She was sitting on the sofa in her house.

او در خانه‌اش بر روی کاناپه‌اش نشسته بود.

3. **What** was her young son reading?

پسر جوانش داشت چه چیزی می‌خواند؟

ریدینگ سان یانگ هرِ وَاذِ وَاذِ

He was reading a newspaper.

او داشت یک روزنامه می‌خواند.

4. **How** did the mother ask her son the question?

مادر چگونه از پسرش سؤال پرسید؟

کواشِجِنِ ذِ سان هرِ اَسْکِ مَازِرِ ذِ دِیدِ هَاوِ

He asked her son the question quietly.

او به آرامی از پسرش سؤال پرسید.

5. **Who** burst into tears?

چه کسی زد زیر گریه؟

تِیِ پِرِزِ اَینِ تو بَرِستِ هُوِ

Her son burst into tears.

پسرش زد زیر گریه.

**B. Skim the 'Reading'. Write its main idea.** نگاه اجمالی به متن بیندازید. ایده اصلی آن را بنویسید.

Children should love their parents, respect them and care for them.

کودکان باید والدینشان را دوست داشته باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و از آن‌ها مراقبت کنند.

**C. Read the 'Reading'. Find what these words refer to.**

متن را بخوانید. آن‌چه این کلمه‌ها به آن‌ها اشاره دارند را پیدا کنید.

her (paragraph 1, line 2): the old woman

(خانم مسن)

his (paragraph 2, line 5): the son

(پسر)

you (paragraph 3, line 2): the son

(پسر)

me (paragraph 4, line 5): the old woman

(خانم مسن)

them (paragraph 5, line 6): parents

(والدین)

○ برای پی بردن به هدف کنش، باید به ذهن کنشگر راه یافت و برای فهمیدن دلالت‌های کنش، باید به زمینه فرهنگی‌ای که کنشگر در آن عمل می‌کند، مراجعه کرد. ○ کنشگران فردی و جمعی، هم در معانی ذهنی و هم در معانی فرهنگی، فعال و خلاق هستند. ○ فعالیت و خلاقیت کنشگران، موجب پیدایش خرده‌فرهنگ‌ها، فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود. ○ در رویکرد تفسیری برای فهم کنش انسان‌ها، از روش‌های تحقیق کیفی استفاده می‌شود نه روش‌های کمی. ○ از روش‌های تحقیق کیفی می‌توان به قوم‌نگاری و مطالعه موردی اشاره کرد. ○ در قوم‌نگاری، محقق برای مطالعه درباره یک قوم، مدتی با آن‌ها زندگی می‌کند و خود را در شرایط فرهنگی آن قوم قرار می‌دهد و کنش‌هایشان را تجربه می‌کند تا بتواند آن‌ها را بهتر بشناسد. ○ اگر محقق بخواهد تمام ابعاد یک پدیده اجتماعی خاص را مطالعه کند و عمق پنهان و منحصربه‌فرد آن را نشان دهد، از روش مطالعه موردی استفاده می‌کند.

**آنچه از این درس آموختیم** ————— صفحه ۵۳ کتاب درسی

جامعه‌شناسان رویکرد تفسیری معتقدند کنش‌های انسان‌ها معنادار هستند و برای فهم زندگی اجتماعی، باید به معنای نهفته در کنش‌ها راه یافت. در قرن بیستم، زمینه رونق رویکرد تفسیری فراهم شد و این رویکرد به عنوان روش مستقل و ویژه علوم انسانی و اجتماعی به رسمیت شناخته شد. کنشگران هم در معانی ذهنی و هم در معانی فرهنگی فعال و خلاق هستند و می‌توانند با کنش‌های خود، خرده‌فرهنگ‌ها، فرهنگ‌ها و جهان‌های اجتماعی مختلف را به وجود آورند. جامعه‌شناسان تفسیری در مطالعات خود، از روش‌های تحقیق کیفی استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از روش‌های کیفی عبارت‌اند از: قوم‌نگاری و مطالعه موردی.

## درس ششم: قدرت اجتماعی

### آموزش به روش سؤال‌های امتحانی از خط به خط کتاب درسی

سؤال	پاسخ
۱- انسان، همواره سه‌گانه قدرت، ثروت و ..... را ارزش‌های ..... و پیش‌نیاز دستیابی به سعادت حقیقی می‌داند.	۱- دانش - واسطه‌ای
۲- در گذشته، انسان عملکرد قدرت، ثروت و دانش را در مقایسه با یکدیگر چگونه ارزیابی می‌کرد؟	۲- عملکرد دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری یا خنثی (نه تماماً خوب و نه تماماً بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد و شر) ارزش‌گذاری می‌کرد.
۳- «سیاست» و «عمل سیاسی» در زندگی اجتماعی به چه منظورهایی پدید می‌آیند؟	۳- ۱) تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک انسان‌ها ۲) رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند.
۴- سیاست دو بعد اصلی دارد که عبارت‌اند از: ۱) تدبیر و تنظیم امور ۲) .....	۴- ضمانت اجرای قانون
۵- سیاست، قدرت است یا قانون؟ توضیح دهید.	۵- در واقع سیاست، هم قدرت است و هم قانون. انتظار می‌رود که افراد با اتکا به عقل و تقوای خویش، قانون را رعایت کنند، ولی برای اجرای قانون، باید از قدرت نیز استفاده کرد.
۶- قدرت وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام‌آور آن است. (درست / نادرست)	۶- درست
۷- الف) آیا در گذشته، قدرت، مسئله اول و اصلی سیاست بوده است؟ ب) یک مصداق ذکر کنید.	۷- الف) خیر؛ قدرت، وسیله‌ای برای تحقق اهداف و فضایل اخلاقی قلمداد می‌شده است. البته تلقی عمده فرهنگ‌ها و جوامع بشری از سیاست و قدرت این‌گونه بود و البته سیاستمداران و قدرتمندان نیز (حداقل در ظاهر)، چنین معنایی را پذیرفته بودند. ب) رواج سیاست‌نامه‌نویسی و سیاست‌نامه‌ها شاهد این واقعیت است.
۸- در قرون اخیر و در جهان مدرن، قدرت به مسئله اصلی سیاست تبدیل شده است. (درست / نادرست)	۸- درست
۹- در قرون اخیر و در جهان مدرن، کدام بعد اصلی سیاست مورد توجه قرار گرفت؟ توضیح دهید.	۹- در جهان مدرن، خود قدرت به مسئله اصلی سیاست تبدیل شده است. برخی اندیشمندان، همه سیاست را قدرت می‌دانند و برخی بخش عمده‌ای از آن را قدرت می‌پندارند. در این نگاه، سیاست با هدف سعادت و فضیلت، دآوری نمی‌شود، بلکه بیشتر با آرمان پیروزی و تسلط ارزیابی می‌گردد.

۱۰- قلمرو سیاست را در موارد زیر با یکدیگر مقایسه کنید. الف) گذشته: (ب) امروزه: ب) تمامی جامعه می‌تواند قلمرو سیاست باشد.	۱۰- الف) گذشته: (ب) امروزه: ب) تمامی جامعه می‌تواند قلمرو سیاست باشد.									
۱۱- چگونه می‌توان امور سیاسی و غیرسیاسی را از یکدیگر تشخیص داد؟ ۱۱- هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه‌های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا با قدرت سروکار دارد، سیاسی به شمار می‌رود.	۱۱- چگونه می‌توان امور سیاسی و غیرسیاسی را از یکدیگر تشخیص داد؟ ۱۱- هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه‌های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا با قدرت سروکار دارد، سیاسی به شمار می‌رود.									
۱۲- در گذشته، سیاست و نهاد حکومت یکی گرفته می‌شد ولی امروزه، سیاست با هیچ مقوله عینی و محسوس یکی گرفته نمی‌شود و در کل جامعه وجود دارد. (درست / نادرست)	۱۲- درست									
۱۳- مجموعه روش‌هایی که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به کار می‌گیرد: (۱) حکومت (۲) سیاست (۳) نظام سیاسی (۴) قدرت	۱۳- گزینه «۲»									
۱۴- .....، قدرت محقق کردن اهداف یک نظام اجتماعی به شیوه کارآمد است و .....، ضمانت اجرای هر گونه عمل جمعی است.	۱۴- سیاست - قدرت									
۱۵- آمریت (فرماندهی و فرمانبری) نهادینه شده در جامعه که هر موقع در جامعه از کار بیفتند، از زور استفاده می‌شود: (.....)	۱۵- قدرت									
۱۶- سیاست از سطح خرد تا کلان منتشر است و در صورت فقدان آن، بقای جامعه با خطر جدی مواجه می‌شود. (درست / نادرست)	۱۶- نادرست؛ «قدرت» این گونه است، نه «سیاست».									
۱۷- چرا انسان کنشگری قدرتمند محسوب می‌شود؟ ۱۷- به این دلیل که می‌تواند کارهایش را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است و کنشگری قدرتمند محسوب می‌شود.	۱۷- به این دلیل که می‌تواند کارهایش را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است و کنشگری قدرتمند محسوب می‌شود.									
۱۸- انواع قدرت عبارت‌اند از: (۱) ..... (۲) .....	۱۸- (۱) قدرت فردی (۲) قدرت اجتماعی									
۱۹- چرا قدرت فردی انسان، محدود است؟ ۱۹- زیرا او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهایش به کمک دیگران احتیاج دارد.	۱۹- زیرا او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهایش به کمک دیگران احتیاج دارد.									
۲۰- الف) قدرت اجتماعی چگونه به وجود می‌آید؟ ب) چه کسانی قدرت اجتماعی بیشتری دارند؟	۲۰- الف) هنگامی که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران اثر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. ب) کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند.									
۲۱- ابزارهای سه‌گانه اعمال قدرت عبارت‌اند از: ابزارهای .....، ابزارهای تشویقی و ابزارهای .....	۲۱- تنبیهی - اقناعی									
۲۲- ابزارهای اعمال قدرت از گذشته تا به امروز چه تغییراتی را سپری کرده‌اند؟ ۲۲- امروزه از ابزارهای تنبیهی کم‌تر از ابزارهای تشویقی استفاده می‌شود و از ابزارهای تشویقی نیز کم‌تر از ابزارهای اقناعی استفاده می‌شود.	۲۲- امروزه از ابزارهای تنبیهی کم‌تر از ابزارهای تشویقی استفاده می‌شود و از ابزارهای تشویقی نیز کم‌تر از ابزارهای اقناعی استفاده می‌شود.									
۲۳- دو مورد از مصادیق ابزارهای اعمال قدرت را در جدول بنویسید.	۲۳- <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>ابزارهای تنبیهی</td> <td>ابزارهای تشویقی</td> <td>ابزارهای اقناعی</td> </tr> <tr> <td>زور</td> <td>درآمد</td> <td>آموزش</td> </tr> <tr> <td>خشونت</td> <td>پاداش مالی</td> <td>تبلیغ</td> </tr> </table>	ابزارهای تنبیهی	ابزارهای تشویقی	ابزارهای اقناعی	زور	درآمد	آموزش	خشونت	پاداش مالی	تبلیغ
ابزارهای تنبیهی	ابزارهای تشویقی	ابزارهای اقناعی								
زور	درآمد	آموزش								
خشونت	پاداش مالی	تبلیغ								
۲۴- وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی چیست؟ ۲۴- در هر دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد و در قدرت تنبیهی، به دلیل اجبار و در قدرت تشویقی، برای پاداش پیروی می‌کند.	۲۴- وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی چیست؟ ۲۴- در هر دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد و در قدرت تنبیهی، به دلیل اجبار و در قدرت تشویقی، برای پاداش پیروی می‌کند.									
۲۵- نحوه اعمال قدرت اقناعی را در افراد توضیح دهید. ۲۵- قدرت اقناعی با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می‌شود. در ترغیب، تبلیغ و آموزش و تعهد اجتماعی، آن‌چه فرد، درست و حق و هنجار می‌پندارد موجب تبعیت او از اراده و خواست دیگران می‌شود.	۲۵- نحوه اعمال قدرت اقناعی را در افراد توضیح دهید. ۲۵- قدرت اقناعی با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می‌شود. در ترغیب، تبلیغ و آموزش و تعهد اجتماعی، آن‌چه فرد، درست و حق و هنجار می‌پندارد موجب تبعیت او از اراده و خواست دیگران می‌شود.									
۲۶- عبارت «در قدرت اقناعی، تبعیت و پیروی نشانه کار درست است.» به معنای چیست؟ ۲۶- تبعیت و پیروی نشانه کار درست است. به گونه‌ای که پیروی‌کننده، در مواردی متوجه تبعیت و پیروی خود نمی‌شود و محاسبه سود و زیان خود را نمی‌کند. در مواردی اقناع از طریقی درست و شایسته و در مواردی از مسیر نادرست و ناشایست شکل می‌گیرد.	۲۶- عبارت «در قدرت اقناعی، تبعیت و پیروی نشانه کار درست است.» به معنای چیست؟ ۲۶- تبعیت و پیروی نشانه کار درست است. به گونه‌ای که پیروی‌کننده، در مواردی متوجه تبعیت و پیروی خود نمی‌شود و محاسبه سود و زیان خود را نمی‌کند. در مواردی اقناع از طریقی درست و شایسته و در مواردی از مسیر نادرست و ناشایست شکل می‌گیرد.									



<p>۲۷- گزینه «۱»</p>	<p>۲۷- ابزار اعمال قدرت که عمدتاً منحصر و متمرکز در دست دولتهاست و از طریق قانون اعمال می‌شود:</p> <p>(۱) ابزارهای تنبیهی (۲) ابزارهای تشویقی (۳) ابزارهای اقناعی (۴) ابزارهای سیاسی</p>
<p>۲۸- از سویی، افراد مطمئن می‌شوند که از ناحیه هیچ فرد یا گروهی مورد ضرب و شتم و تنبیه قرار نمی‌گیرند و از سوی دیگر هیچ کس نباید به صورت خودسرانه به اعمال خشونت و تنبیه دیگران مبادرت کند. از این رو برخلاف گذشته، خبر کم‌تری از نزاع‌ها و دعوای فردی و دسته‌جمعی به گوش می‌رسد و اگر هم در گوشه و کنار چنین رفتارهایی مشاهده شود، در ذهنیت جامعه و عموم مردم جایگاهی ندارد و آن را رفتاری مذموم و به دور از عقلانیت و تمدن قلمداد می‌کنند.</p>	<p>۲۸- انحصار و تمرکز قدرت تنبیهی در دست دولت‌ها چه تأثیراتی بر افراد جامعه دارد؟</p>
<p>۲۹- شخصیت - سازمان</p>	<p>۲۹- منابع و عوامل قدرت عبارت‌اند از: .....، مالکیت و .....</p>
<p>۳۰- منابع و عوامل قدرت، در واقع قالب‌هایی هستند که ابزار سه‌گانه قدرت (تنبیهی، تشویقی و اقناعی)، درون آن‌ها شکل می‌گیرند و اعمال می‌شوند.</p>	<p>۳۰- رابطه و نسبت منابع و عوامل قدرت با ابزارهای اعمال قدرت چگونه می‌باشد؟</p>
<p>۳۱- خصلت‌های جسمانی (قد، هیكل و ...)، ویژگی‌های فکری، بیانی، اخلاقی، هوش، جاذبه یا دیگر ویژگی‌های شخصیتی است که موجب دست‌یافتن به یک یا چند ابزار قدرت می‌شود.</p>	<p>۳۱- شخصیت به عنوان یکی از عوامل قدرت در ارتباط با کدام ویژگی‌های انسان‌ها می‌باشد؟</p>
<p>۳۲- تنبیهی - اقناعی</p>	<p>۳۲- در جوامع نخستین، قدرت بدنی منبع دستیابی به قدرت ..... بود. امروزه شخصیت با قدرت ..... یعنی توانایی ترغیب یا ایجاد باور، نزدیکی بیشتری دارد.</p>
<p>۳۳- مالکیت (ثروت و درآمد)، وسیله جذب اطاعت دیگران است. ثروت، وجهه و شکوهی به فرد عامل قدرت می‌دهد که همان اراده و قاطعیت اوست و می‌تواند موجب اطاعت اقناعی دیگران شود؛ ولی مسلم است که مالکیت بیشتر با قدرت تشویقی قرابت دارد.</p>	<p>۳۳- از منابع و عوامل قدرت، مالکیت را توضیح دهید.</p>
<p>۳۴- تشویقی</p>	<p>۳۴- مالکیت بیشتر با قدرت ..... قرابت دارد.</p>
<p>۳۵- سازمان یعنی جمع کسانی که منافع، ارزش‌ها یا برداشت‌های مشترکی دارند.</p>	<p>۳۵- سازمان به عنوان یکی از منابع قدرت شامل چه کسانی می‌شود؟</p>
<p>۳۶- گزینه «۴»</p>	<p>۳۶- مهم‌ترین منبع قدرت در جوامع امروزی کدام است؟ (۱) شخصیت (۲) مالکیت (۳) سیاست (۴) سازمان</p>
<p>۳۷- الف) انسجام اجتماعی ب) یکپارچگی نظام</p>	<p>۳۷- الف) رابطه همکاران را در برمی‌گیرد: (.....) ب) سازمان، پیوند میان نقش‌ها، واحدها و ساختارهای اجتماعی مثل رابطه اقتصاد و سیاست را شامل می‌شود: (.....)</p>
<p>۳۸- به این معناست که اعمال قدرت اقناعی، نیازمند وجود سازمان می‌باشد. لازمه سازمان، پذیرفتن هدف‌های سازمان توسط افراد و اعضای آن است. سازمانی که اعضای آن به طور یکپارچه، اهداف آن را قبول نداشته باشند، نمی‌تواند اطاعت افراد بیرون از خود را تضمین کند.</p>	<p>۳۸- عبارت «سازمان در درجه نخست با قدرت اقناعی خویشاوند است»، به معنای چیست؟</p>
<p>۳۹- مثال ۱- اختلاف نظر شدید پزشکان می‌تواند مانع پیروی بیماران از دستورات پزشکان شود. به همین دلیل نظام پزشکی به شدت مانع چنین اختلاف نظرهایی می‌شود. مثال ۲- جوامع خود بزرگ‌ترین و مؤثرترین سازمان‌ها هستند. جوامعی که اختلاف و چنددستگی در آن‌ها پیدا شود، در مقابل رقیبان و دشمنانشان آسیب‌پذیر می‌شوند.</p>	<p>۳۹- دو مثال ذکر کنید که بیانگر اختلاف نظرات افراد یک سازمان باشد؟ پیامد این اختلاف نظرات چیست؟</p>

<p>۴۰- از اثرگذاری و تأثیر شخصیت (قد، هیكل، هوش، جاذبه، قدرت بیان و ...) تا حدود زیادی کاسته شده است. - سهم مالکیت نیز کاهش یافته است. - در مقابل، نقش سازمان، افزایش یافته است.</p>	<p>۴۰- انواع تغییرات منابع و عوامل قدرت (شخصیت، مالکیت و سازمان) در طول تاریخ را بنویسید.</p>
<p>۴۱- در طول تاریخ، اهمیت سازمان در مقایسه با شخصیت و مالکیت، افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که امروزه بیشترین قدرت‌ها درون سازمان‌ها متمرکز شده‌اند. مثال: در شرکت‌های بزرگ، از سهم مالکیت و نقش سهامداران کاسته شده و بر نقش مدیران و مشاوران افزوده شده است. این تغییرات به اندازه‌ای مهم بوده است که مالکیت و شخصیت به پشت‌گرمی سازمان، مؤثر واقع می‌شوند.</p>	<p>۴۱- با ذکر مثال اهمیت «سازمان» را در مقایسه با شخصیت و مالکیت توضیح دهید.</p>
<p>۴۲- درست</p>	<p>۴۲- قدرت مفهومی مسئله‌برانگیز و به شکل اجتناب‌ناپذیری، ارزشی است. (درست / نادرست)</p>
<p>۴۳- باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم تا شرعی، اخلاقی و قانونی بودن آن را دریابیم و درعین حال از مواجههٔ بدبینانه با قدرت نیز خودداری کنیم.</p>	<p>۴۳- مناسب‌ترین برخورد افراد در ارتباط با قدرت چگونه باید باشد؟</p>
<p>۴۴- هر کنش سیاسی یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود (۲) یا با هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف پیشگیری از تغییری است که وضعیت را «بدتر» می‌کند و هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف ایجاد وضعیت بهتر است؛ پس تمامی کنش‌های سیاسی با دو مفهوم «بهتر» و «بدتر» هدایت می‌شوند.</p>	<p>۴۴- کنش سیاسی به چه منظورهایی صورت می‌گیرد؟ توضیح دهید.</p>
<p>۴۵- یعنی امور سیاسی مورد تأیید یا رد، ستایش یا نکوهش انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ به علاوه، این امور از انسان‌ها اطاعت، وفاداری و تصمیم می‌خواهند و لازم است آن‌ها را براساس ملاک‌هایی ارزیابی کنیم.</p>	<p>۴۵- منظور از عبارت «امور سیاسی پدیده‌های خنثی نیستند.» چیست؟ توضیح دهید.</p>
<p>۴۶- جهان‌شمول - قوانین طبیعت</p>	<p>۴۶- طبیعت یک نظم ..... دارد؛ یعنی ..... در همهٔ مکان‌ها و زمان‌ها یکسان است و نتایج مطالعه بر طبیعت را می‌توان به تمامی مکان‌ها و زمان‌ها تعمیم داد.</p>
<p>۴۷- خیر، جوامع و فرهنگ‌ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده‌ایم، به همهٔ جوامع تعمیم دهیم؛ مثلاً نمی‌توان نتایج مطالعهٔ جوامع غربی را به سایر جوامع تعمیم داد.</p>	<p>۴۷- آیا می‌توان نتایج مطالعات یک جامعه (مانند مطالعات علوم طبیعی) را به همهٔ جوامع تعمیم داد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.</p>
<p>۴۸- معانی فرهنگی - تفسیری</p>	<p>۴۸- برای پیشگیری از اشتباه تعمیم نتایج مطالعهٔ یک جامعه بر جوامع دیگر، باید سایر جوامع و فرهنگ‌ها را با توجه به ..... آن‌ها و از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با رویکرد .....</p>
<p>۴۹- گزینهٔ «۴»</p>	<p>۴۹- در مطالعهٔ جوامع و فرهنگ‌ها، وقتی آن‌ها را با توجه به معانی فرهنگی خودشان مطالعه می‌کنیم، یعنی از کدام رویکرد استفاده کرده‌ایم؟ (۱) تبیینی (۲) تفهیمی (۳) انتقادی (۴) تفسیری</p>
<p>۵۰- تعدد و تنوع فرهنگ‌ها و جوامع معاصر و قدیمی</p>	<p>۵۰- چه عاملی علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان‌ناپذیر و تمام‌نشده می‌سازد؟</p>
<p>۵۱- درست</p>	<p>۵۱- فرهنگ‌های مختلف به مرزهای خودشان محدود نمی‌مانند و ما را ناگزیر از مقایسهٔ ارزش‌ها می‌سازند. (درست / نادرست)</p>
<p>۵۲- مقایسه - داوری</p>	<p>۵۲- وقتی علوم اجتماعی برای مطالعهٔ هر فرهنگ مجبور باشد آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته‌اند، ببیند و بررسی کند، امکان ..... و ..... فرهنگ‌ها و ارزش‌ها از دست می‌رود.</p>

۵۳- جامعه‌شناسی تبیینی، ارزش‌های انسانی، اجتماعی و سیاسی را چگونه مورد مطالعه علمی قرار می‌دهند؟	۵۳- جامعه‌شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش‌های انسانی از جمله ارزش‌های سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی‌داند. از این‌رو با ارزش‌زدایی و معنازدایی از سیاست و قدرت و تقلیل آن‌ها به پدیده‌های مادی و فاقد معنا از شناخت واقعی آن‌ها باز می‌ماند.
۵۴- جامعه‌شناسی تفسیری در ارزیابی ارزش‌ها و نظام‌های سیاسی چگونه عمل می‌کند؟	۵۴- جامعه‌شناسی تفسیری، سیاست و قدرت را پدیده‌هایی معنادار و ارزشی می‌داند، اما صرفاً به توصیف ارزش‌ها و نظام‌های سیاسی بسنده می‌کند و ملاک و معیاری برای تشخیص خوب از بد آن‌ها ارائه نمی‌دهد.
۵۵- جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند رویکردهای ..... و ..... هر دو محافظه‌کارند.	۵۵- تبیینی - تفسیری
۵۶- چرا جامعه‌شناسان انتقادی، رویکردهای تبیینی و تفسیری را محافظه‌کار می‌دانند؟	۵۶- زیرا معتقدند آن‌ها نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود، منفعل و مجبور می‌سازند.
۵۷- جامعه‌شناسان انتقادی برای داوری علمی ارزش‌های سیاسی و اجتماعی چه دیدگاهی دارند؟	۵۷- جامعه‌شناسان انتقادی یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه در عرصه سیاست و قدرت) را ضروری می‌دانند و دست‌شستن از این آرمان بزرگ را بن‌بست زندگی انسان معرفی می‌کنند.

### سؤال متن

- صفحه ۵۴ کتاب درسی
- پرسش «علم بهتر است یا ثروت؟» زمانی یکی از موضوعات رایج درس انشا بود. آیا می‌دانید معمولاً چه پاسخی به این پرسش داده می‌شد؟ در پاسخ به پرسش «علم بهتر است یا ثروت؟» افراد مختلف نظرات متفاوتی ارائه می‌دادند. برخی علم را بهتر می‌دانستند و برخی ثروت را. گروهی دیگر نیز علم و ثروت را مکمل یکدیگر در نظر می‌گرفتند و به جنبه‌های مثبت آن‌ها اشاره می‌کردند.
  - چرا چنین پرسشی زمانی پررنگ می‌شود و گاهی کم‌رنگ؟ دلایل کم‌رنگ یا پررنگ شدن این پرسش عبارت‌اند از: ۱) تکراری شدن سؤال ۲) شرایط اجتماعی جامعه؛ به عنوان مثال، تغییر ارزش‌های اجتماعی وقتی این باور را به وجود آورد که «ثروت» حتماً از علم بهتر است، طرح پرسش مذکور کم‌رنگ می‌شود و یا از بین می‌رود. ۳) این سؤال ممکن است در مواقعی بازسازی شود که تلاش‌های نسل قبل در گرایش به یکی از این دو (مثلاً ثروت) منجر به آرامش فعلی آن‌ها نشده باشد.
  - شما چه پاسخی به این پرسش می‌دهید؟
  - ثروت، خوب است. اگر ثروت در مسیر تأمین نیاز فرد، خانواده و فعالیت‌های انسان‌دوستانه به کار رود، بسیار ارزشمند خواهد بود، ولی اگر وسیله‌ای برای احساس برتری و تفاخر باشد، پسندیده نیست.
  - علم، بسیار خوب است، زیرا موجب شناخت و معرفت آدمی از هدف زندگی و معنای آن می‌گردد.
  - حضرت علی علیه السلام درباره برتری علم بر ثروت فرموده‌اند: «علم، میراث انبیا و ثروت، میراث قارون و فرعون است.»
  - اگر از علم انفاق کنی، بر آن افزوده می‌شود و اگر از ثروت انفاق کنی، کم می‌شود.
  - علم موجب نورانی شدن قلب انسان می‌شود و ثروت انسان را سنگدل می‌کند.

### سؤال متن

- صفحه ۵۵ کتاب درسی
- شما چه تصویری از قدرت، ثروت و دانش دارید؟ شما چگونه قدرت را ارزیابی و داوری می‌کنید؟ به نظر شما راهی برای ارزیابی علمی و عقلانی قدرت وجود دارد؟

○ پدیده‌های (قدرت، ثروت و دانش) از مهم‌ترین مزایای اجتماعی جوامع هستند که در دوره‌های تاریخی زندگی اجتماعی انسان‌ها، یکی از آن‌ها در اولویت بودند. (دوران برتری ثروت، برتری قدرت، برتری دانش و اطلاعات) ○ در صورتی که پدیده‌های مذکور، موجبات دستیابی به سعادت و کمال حقیقی را فراهم سازند، ارزشمند هستند. ○ ملاک ارزیابی این پدیده‌ها، دستیابی یا عدم دستیابی انسان به سعادت می‌باشد.

### سؤال متن

- صفحه ۵۶ کتاب درسی
- به نظر شما اگر دانش‌آموزی در حیاط مدرسه به دانش‌آموز دیگری حمله کند، دانش‌آموزی که به او حمله شده است، باید چه کند؟
  - نکته بسیار مهم: با توجه به این‌که مدرسه یک مکان رسمی برای آموزش و پرورش (تربیت) دانش‌آموزان می‌باشد، مسئولان مربوط با توجه به برنامه‌های آموزش‌محور و فعالیت‌های فرهنگی سعی در همسوس کردن دانش‌آموزان با قوانین و مقررات دارند تا از بروز تضاد و اختلاف بین آن‌ها پیشگیری شود. ۱) مدرسه یک محیط اجتماعی است که دانش‌آموزان و ... اعضای آن هستند و به دلایل تفاوت فرهنگی، خانوادگی و ... امکان بروز اختلاف و تضاد در بین آن‌ها وجود دارد. ۲) مدرسه دارای مقررات و قوانین رسمی می‌باشد. بنابراین در صورت بروز اختلافات بین دانش‌آموزان، براساس قوانین با دانش‌آموزان خاطی برخورد خواهد شد.
  - آیا زندگی اجتماعی بدون سیاست امکان‌پذیر است؟ خیر؛ با توجه به انواع تفاوت‌های زیستی، تاریخی، جغرافیایی افراد در گروه‌های اجتماعی و جوامع مختلف و در نتیجه اختلاف نظرات و تضادهای میان افراد، امکان زندگی اجتماعی بدون سیاست و اعمال قوانین امکان‌پذیر نمی‌باشد.

## سؤال متن

صفحه ۵۸ کتاب درسی چگونه می‌توانیم امور سیاسی و غیرسیاسی را از یکدیگر تشخیص دهیم؟ هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه‌های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا با قدرت سروکار دارند، «سیاسی» محسوب می‌شود.

## نمونه بیاورید

صفحه ۵۹ کتاب درسی آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کنش‌های سیاسی بیرون از نهاد حکومت و دولت را مثال بزنید؟ تشکل‌های مدنی (NGO) - تشکلی شبکه‌های مجازی (کارزارها - هشتک‌ها) - اعتراضات و اعتصابات صنفی - جنبش‌های زیست‌محیطی و حفظ محیط زیست

## سؤال متن

صفحه ۵۹ کتاب درسی چگونه اراده فردی بر اراده دیگری اعمال می‌شود؟ از راه‌های تأثیرگذاری اراده یک فرد بر دیگران می‌توان به این موارد اشاره کرد: اقناع (جلب اطاعت دیگران از طریق اثبات منطقی) (۲) تنبیه و مجازات (۳) فریب دادن و تطمیع دیگران (به صورت آشکار) (۴) اغوا (فریب پنهان) (۵) مقبولیت داشتن فرد (مورد قبول بودن فرد در گروه یا جامعه) (۶) مشروعیت داشتن (براساس موازین حق بودن) تمکین و پیروی چگونه شکل می‌گیرد؟ تبعیت و پیروی از دیگران یا از روی رضایت است و یا از ترس تهدید و مجازات. آیا تهدید به تنبیه بدنی، پاداش نقدی، تشویق یا عامل قوی تری موجب می‌شود که شخص یا اشخاصی از خواست خود چشم‌پوشند و تن به خواست دیگری دهند؟ بله

چگونه بعضی فرمان می‌دهند و چه چیز موجب فرمانبری دیگران می‌شود؟ افرادی که از ابزارهای قدرت برخوردار باشند می‌توانند فرمان دهند و در صورت عدم برخورداری از ابزارهای اعمال قدرت فرمانبری می‌کنند.

## گفت‌وگو کنید

صفحه ۶۲ کتاب درسی رأی‌دهندگان چگونه می‌توانند بر رفتار و اعمال کنشگران و نمایندگان سیاسی نظارت کنند؟ میزان اثرگذاری افراد و گروه‌های اجتماعی بر فرایند تصمیم‌گیری و نظارت، تا اندازه زیادی بستگی به این دارد که حکومت، این اثرگذاری‌ها را به رسمیت بشناسد و امکانات و ابزارش را به طور عملی فراهم کند، یعنی: امکان فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، تقویت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، اتحادیه‌های صنفی و در یک کلام تقویت جامعه مدنی. در صورت به رسمیت نشناختن این موضوع و نبود اراده‌ای برای شنیدن نظرات مردم از جانب اصحاب قدرت و نیز پرهیزنبودن مشارکت‌ها، اقدامات بی‌اثر یا بسیار کم‌اثر خواهند بود. مثال: کاهش شدید مشارکت سیاسی مردم در انتخابات آخر ریاست جمهوری

## تکمیل کنید

صفحه ۶۳ کتاب درسی آیا تاکنون پی برده‌اید که میان ابزارهای اعمال قدرت و منابع قدرت چه نوع همبستگی‌ای وجود دارد؟ جدول زیر را کامل کنید.

منابع یا عوامل قدرت	ابزار اعمال قدرت	مثال و نمونه	موارد نقض
شخصیت	تنبیهی	اطاعت مردم شوروی از استالین	پیروی مردم هند از گاندی
مالکیت	تشویقی	حمایت صاحبان سرمایه از کارآفرینان	جریمه‌های نقدی برای افراد خاطی در یک شرکت
سازمان	اقناعی	تبلیغات گسترده سازمان محیط زیست برای حفظ جمعی محیط زیست کشور	استفاده از تنبیه بدنی در نظام آموزشی گذشته

## تشریح کنید

صفحه ۶۳ کتاب درسی آیا میان مزایای مطرح‌شده در ورودی درس؛ یعنی سه‌گانه قدرت، ثروت و دانش با سه‌گانه منابع و سه‌گانه ابزار قدرت، ارتباطی وجود دارد؟ آیا میان قدرت و دانش رابطه‌ای وجود دارد؟ جدول زیر را تشریح کنید.

در گذشته، بیشتر افراد با توجه به ویژگی‌های شخصیتی (جسمانی، اخلاقی، هوشی) و با استفاده از ابزارهای تنبیهی به قدرت می‌رسیدند. در مالکیت، ثروت و درآمد وسیله جذب اطاعت دیگران است و برخورداران از ثروت از قدرت تشویقی استفاده می‌کنند. امروزه سازمان‌ها (مدیران و صاحبان دانش) مهم‌ترین منبع قدرت هستند و بیشتر از قدرت اقناعی استفاده می‌کنند.

## گفت‌وگو کنید

صفحه ۶۴ کتاب درسی به نظر شما چه تفاوتی میان انتخابات و قرعه‌کشی وجود دارد؟ در انتخابات، افراد متعددی با توانمندی‌های مختلف حضور دارند و مردم براساس شناختی که از ایشان دارند، آن‌ها را انتخاب می‌نمایند، اما در قرعه‌کشی، افراد به صورت تصادفی یا شانسی انتخاب می‌شوند و لزوماً توانمندی افراد ملاک انتخاب نمی‌باشد.

## سؤال متن

صفحه ۶۵ کتاب درسی تمامی کنش‌های سیاسی با دو مفهوم «بهتر» و «بدتر» هدایت می‌شوند. اما چگونه بهتر و بدتر را تشخیص می‌دهیم؟ مهم‌ترین هدف آدمی در زندگی، دستیابی به فضیلت‌های فردی و سعادت همگانی است. این فضیلت و سعادت در زندگی خوب یا جامعه خوب به دست می‌آید؛ بنابراین اگر فعالیت‌های سیاسی در جهت رسیدن به این اهداف باشد، وضعیت موجود را «بهتر» می‌سازد و در غیر این صورت وضعیت «بدتر» می‌شود.

## سؤال متن

صفحه ۶۵ کتاب درسی

آیا باید دشواری شناخت خوب از بد را بهانه‌ای برای دست‌کشیدن از شناخت معتبر و علمی دانست و ادعا کرد که داوری عقلانی و علمی در میان کنش‌های سیاسی و نظام‌های سیاسی غیرممکن است؟ خیر؛ شاید در عمل تشخیص خوب از بد دشوار باشد، اما غیرممکن نیست. (به عنوان مثال شاید نتوانیم درباره جنگ دو کشور قضاوت کنیم و بگوییم مقصر کیست، اما می‌توانیم اشغالگری و تجاوز را محکوم کنیم.) برای شناخت خوب از بد کنش‌های سیاسی، می‌توان آن‌ها را براساس ملاک حق و باطل ارزیابی کرد. اغلب جهان‌های اجتماعی رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. حمایت از مظلومان، دفاع از عدالت و آزادی، از ارزش‌های حق و ظلم، نابرابری و شرک از ارزش‌های باطل هستند و براساس آن‌ها می‌توان به حقانیت یا عدم حقانیت نظام‌های سیاسی پی برد و آن‌ها را مورد داوری علمی قرار داد.

## تفسیر کنید

صفحه ۶۸ کتاب درسی

آیا علم و دانشی وجود دارد که ارزش‌ها را در قلمرو حقیقی شناسایی کند؟ جدول زیر ظرفیت رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی را در مطالعه ارزش‌های سیاسی در این سه قلمرو داوری می‌کند. آن را تفسیر کنید.

رویکردهای جامعه‌شناختی			ارزش‌های سیاسی	ارزش‌ها
انتقادی	تفسیری	تبیینی		
؟	-	-	فضیلت و ردیلت‌های سیاسی	قلمرو حقیقی
+	+	-	معانی و تدابیر سیاسی، قوانین	قلمرو آرمانی
+	-	+	قدرت	قلمرو واقعی

در رویکرد تبیینی ← ارزش‌های انسانی (از جمله ارزش‌های سیاسی) که مادی نیستند قابل مطالعه علمی نمی‌باشند و این پدیده‌ها را به پدیده‌های مادی و فاقد معنا تقلیل می‌دهند.

در رویکرد تفسیری ← سیاست و قدرت را پدیده‌های معنادار و ارزشی می‌دانند، اما قادر به ارائه ملاک ارزیابی و داوری ارزش‌ها نیست. در رویکرد انتقادی ← در جست‌وجوی راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی در عرصه سیاست و قدرت هستند.

## مباحثه کنید

صفحه ۶۹ کتاب درسی

زندگی اجتماعی انسان‌ها به‌ویژه در عرصه سیاسی، عرصه انتخاب دمام ارزش‌هاست. به نظر شما دست‌شستن از داوری علمی و عقلانی درباره ارزش‌های اجتماعی و سیاسی چه نتایجی به دنبال خواهد داشت؟ بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و عدم داوری علمی ارزش‌های سیاسی و اجتماعی به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای آن‌هاست.

سکوت در برابر وضعیت موجود، موجب رواج رویکردهای محافظه‌کارانه و حفظ وضع موجود می‌گردد و افراد در جهت تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب تلاشی نخواهند داشت و به جای برخورد فعالانه با جهان اجتماعی، به صورتی منفعل شرایط موجود را می‌پذیرند. در نتیجه ← به جای شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی و اخلاقی، ساختارهای سرکوبگر سلطه در جهان‌های اجتماعی حاکمیت می‌یابد که از مصادیق آن می‌توان به حضور قدرت‌های سلطه‌گر در کشورهای اسلامی و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی (داعش و ...) اشاره کرد.

## مفاهیم اساسی

صفحه ۷۰ کتاب درسی

سه‌گانه قدرت، ثروت و دانش - سیاست و عمل سیاسی - قلمرو سیاست - سیاست / قدرت - انواع قدرت - قدرت فردی - قدرت اجتماعی - ابزارهای اعمال قدرت (ابزارهای تنبیهی، ابزارهای تشویقی و ابزارهای اقناعی) - منابع و عوامل قدرت (شخصیت - مالکیت - سازمان) - انسجام اجتماعی - یکپارچگی نظام - کنش و امور سیاسی - جامعه‌شناسی تبیینی - جامعه‌شناسی تفسیری - جامعه‌شناسان انتقادی

## خلاصه کنید

صفحه ۷۰ کتاب درسی

کنش‌های سیاسی با هدف بهترساختن وضع موجود یا جلوگیری از بدترشدن آن انجام می‌شوند.

انسان، همواره سه‌گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزش‌های واسطه‌ای و پیش‌نیاز دستیابی به سعادت حقیقی می‌داند. تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک انسان‌ها و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند، «سیاست» و «عمل سیاسی» را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد. سیاست دو وجه یا بعد اصلی دارد: ۱) تدبیر و تنظیم امور (قانون) ۲) ضمانت اجرای قانون. در گذشته، قدرت، مسئله اصلی سیاست نبوده است بلکه وسیله‌ای برای تحقق اهداف و فضایل اخلاقی قلمداد می‌شده است. اما در قرون اخیر، قدرت به مسئله اصلی سیاست تبدیل شده است. هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه‌های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت یا با قدرت سروکار دارد، سیاسی به شمار می‌رود. در گذشته، سیاست و نهاد حکومت یکی گرفته می‌شد ولی امروزه، سیاست با هیچ مقوله عینی و محسوس یکی گرفته نمی‌شود و در کل جامعه و همه اجزای آن وجود دارد. سیاست، مجموعه روش‌هایی است که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به کار می‌گیرد. قدرت، ضمانت اجرای هرگونه عمل جمعی است. قدرت، آمریت (فرماندهی و فرمانبری) نهادینه‌شده در جامعه است که هر موقع در جامعه از کار بیفتد، از زور استفاده می‌شود. موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. به همین دلیل، انسان کنشگری قدرتمند است. انواع قدرت عبارتند از: ۱) قدرت فردی ۲) قدرت اجتماعی. قدرت اجتماعی، قدرت فردی انسان، محدود است و برای تأمین برخی از نیازهایش، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود، بتواند بر اراده دیگران اثر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. ابزارهای سه‌گانه اعمال قدرت عبارتند از: ابزارهای تنبیهی، ابزارهای تشویقی و ابزارهای اقناعی.

وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر دو، پیروی کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد. در قدرت تنبیهی، به دلیل اجبار و در قدرت تشویقی، برای پاداش پیروی می‌کند. امروزه قدرت تنبیهی عمدتاً منحصر و متمرکز در دست دولت‌هاست که از طریق قانون اعمال می‌شود. **قدرت اقماعی** با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می‌شود. **منابع و عوامل قدرت** عبارت‌اند از: (۱) شخصیت (۲) مالکیت (۳) سازمان. منابع و عوامل قدرت، قالب‌هایی هستند که ابزار سه‌گانه قدرت (تنبیهی، تشویقی و اقماعی)، درون آن‌ها شکل می‌گیرند و اعمال می‌شوند. **شخصیت**، دربرگیرنده خصلت‌های جسمانی (قد، هیکل و ...)، ویژگی‌های فکری، بیانی، اخلاقی، هوش و ... است که موجب دست‌یافتن به یک یا چند ابزار قدرت می‌شود. **مالکیت**، وسیله جذب اطاعت دیگران است. ثروت، وجهه و شکوهی به فرد عامل قدرت می‌دهد که همان اراده و قاطعیت اوست و می‌تواند موجب اطاعت اقماعی دیگران شود. **سازمان** یعنی جمع کسانی که منافع، ارزش‌ها یا برداشت‌های مشترکی دارند. **سازمان مهم‌ترین منبع قدرت در جوامع امروزی است.** سازمان پیوند میان افراد و گروه‌های انسانی مانند رابطه همکاران را در بر می‌گیرد که از آن به «**انسجام اجتماعی**» یاد می‌شود. **سازمان** پیوند میان نقش‌ها، واحدها و ساختارهای اجتماعی مثل رابطه اقتصاد و سیاست را شامل می‌شود که از آن به «**یکپارچگی نظام**» تعبیر می‌شود. **جوامع**، بزرگ‌ترین و مؤثرترین سازمان‌ها هستند و اگر دچار اختلاف باشند، در مقابل دشمنان آسیب‌پذیر می‌شوند. **منابع و عوامل قدرت** (شخصیت، مالکیت و سازمان) در طول تاریخ، تغییراتی کرده‌اند: تأثیر شخصیت و سهم مالکیت کاهش یافته است. در مقابل، نقش **سازمان**، افزایش یافته است. **هر کنش سیاسی**، (۱) یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود (۲) یا با هدف حفظ آن. **جامعه‌شناسی** تبیینی، ارزش‌های انسانی و سیاسی را قابل مطالعه علمی نمی‌داند و با معناداری و ارزش‌زدایی از سیاست و قدرت از شناخت واقعی آن‌ها باز می‌ماند. **جامعه‌شناسی تفسیری**، صرفاً به توصیف ارزش‌های سیاسی مختلف بسنده می‌کند و نمی‌تواند برای مقایسه آن‌ها با یکدیگر ملاک و معیاری به دست آورد. **جامعه‌شناسان انتقادی** معتقدند که رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه‌کارند و نه تنها هیچ راهکاری برای به‌ترساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می‌سازند.

### آنچه از این درس آموختیم

صفحه ۷۰ کتاب درسی

انسان‌ها در دنیا به شکل گروهی زندگی می‌کنند. همزیستی انسان‌ها و زندگی جمعی آن‌ها از یک سو، مسائل مشترکی پدید می‌آورد که باید درباره آن‌ها تصمیم بگیرند و از سوی دیگر، تفاوت در محیط‌های زیستی و طبیعی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی می‌تواند باعث تضادهایی در میان آن‌ها شود. برای رفع این تضادها، سیاست و عمل سیاسی پدید می‌آید. سیاست دو بعد اصلی دارد: تدبیر و تنظیم امور (قانون) و ضمانت اجرای قانون. سیاست، مجموعه روش‌هایی است که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به کار می‌گیرد و قدرت، ضمانت اجرای هر گونه عمل جمعی است. موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انواع قدرت عبارت‌اند از: قدرت فردی و قدرت اجتماعی. آنان که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، قدرت اجتماعی بیشتری دارند. ابزارهای سه‌گانه اعمال قدرت عبارت‌اند از: ابزارهای تنبیهی، ابزارهای تشویقی و ابزارهای اقماعی. امروزه قدرت تنبیهی عمدتاً منحصر و متمرکز در دست دولت‌هاست که از طریق قانون اعمال می‌شود. سه چیز، موجب دسترسی به قدرت می‌شود: (۱) شخصیت (۲) مالکیت (۳) سازمان. قدرت مفهومی مسئله‌برانگیز و به شکل اجتناب‌ناپذیری، ارزشی است. از این رو، همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم و درعین حال از مواجهه بدبینانه با قدرت خودداری کنیم. در داوری ارزش‌های سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که عبارت‌اند از: جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تفسیری و جامعه‌شناسان انتقادی.

## درس هفتم: نابرابری اجتماعی

### آموزش به روش سؤال‌های امتحانی از خط به خط کتاب درسی

سؤال	پاسخ
۱- برخی از خصوصیات انسان‌ها که موجب تفاوت آن‌ها از یکدیگر می‌شود را نام ببرید. (۴ مورد)	۱- جنسیت، ثروت، تحصیلات، پایگاه اجتماعی
۲- از تفاوت‌های میان انسان‌ها می‌توان به تفاوت‌های ..... و ..... اشاره کرد.	۲- اسمی - رتبه‌ای
۳- منظور از تفاوت‌های اسمی چیست؟ مثال بزنید.	۳- تفاوت‌هایی هستند که نمی‌توان افراد را براساس آن‌ها رتبه‌بندی کرد. زن و مرد از نظر جنسیت با یکدیگر متفاوت‌اند، اما هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد.
۴- منظور از تفاوت‌های رتبه‌ای چیست؟ مثال بزنید.	۴- تفاوت‌هایی هستند که می‌توان افراد را براساس آن‌ها رتبه‌بندی کرد؛ یعنی برخی افراد کم‌تر و برخی بیشتر از این ویژگی‌ها برخوردارند، مانند تفاوت در قد، هوش، ثروت و تحصیلات افراد.
۵- نابرابری‌ها دو گونه‌اند. برخی نابرابری‌ها ..... هستند، مانند نابرابری در ضریب هوشی افراد و برخی دیگر ..... هستند، مانند نابرابری در ثروت.	۵- طبیعی - اجتماعی

## درسنامه

## حسن تعلیل

در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است. در اصطلاح ادبی: آن است که دلیل هنری و شاعرانه غیرواقعی برای امری بیاورند، به گونه‌ای که بتواند مخاطب را اقناع کند و خیال‌انگیز باشد.

## حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس در کلام، چنان‌که ذهن را به کنجکاو وادارد و با ایجاد موسیقی معنوی، بر تأثیر و زیبایی سخن بیفزاید. حس آمیزی گاه آمیختگی حواس با امور ذهنی و انتزاعی است.

## اسلوب معادله

بیان مطلبی در دو عبارت مستقل، به نحوی که یکی از طرفین، معادلی است برای تأیید عبارت دیگر، چنان‌که زیبایی آفرینی آن بر پایه شباهت باشد. در اسلوب معادله، معمولاً مفهومی ذهنی در یک مصراع یا بیت و مفهومی محسوس در مصراع یا بیت دیگر برای تأیید آن‌ها می‌آید. در اسلوب معادله باید: ۱) تمثیل داشته باشیم. ۲) هر دو مصراع یا دو بیت از لحاظ دستوری مستقل باشند و هیچ پیوند وابسته‌سازی بین آن‌ها نباشد و این شرط لازم برای برابری دو مصراع یا دو بیت از نظر مفهوم است. ساده‌ترین راه برای درک اسلوب معادله آن است که هنگام بازگردانی بیت، بتوان بین دو مصراع واژه «همان‌طور که» یا «همان‌گونه که» قرار داد.

## خودارزیابی

صفحه‌های ۱۱۶ و ۱۱۷ کتاب درسی

۱- در کدام یک از بیت‌های زیر اسلوب معادله آمده است؟ توضیح دهید.

- (الف) نیست پروا تلخ کامان را ز تلخی‌های عشق / آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است «صائب»  
تلخ کامان (عاشقان) = ماهی / تلخی‌های عشق = آب دریا  
تلخ کامان (عاشقان) از سختی‌های راه عشق ترسی ندارند، همان‌گونه که آب شور دریا هم برای ماهی خوشایند و شیرین است.
- (ب) فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را / عشرت امروز بی‌اندیشه فردا خوش است «صائب»  
جمعه اطفال = عشرت امروز / فکر شنبه = اندیشه فردا  
همان‌طور که فکر روز شنبه شادی جمعه را برای کودکان خراب می‌کند، اگر به فردا (آینده) فکر کنی، عشرت امروز (حال) خراب می‌شود.
- (پ) با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است / با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است «صائب»  
کمال احتیاج = دهان تشنه / استغنا = مردن بر لب دریا  
در نهایت احتیاج، بی‌نیازی از مردم زیباست، همان‌گونه که با لب تشنه بر لب دریا بمیری، اما آبی نخوری.
- (ت) تنور لاله چنان برفروخت باد بهار / که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد «حافظ»  
اسلوب معادله وجود ندارد؛ چرا که دو مصراع از لحاظ دستوری به هم وابسته هستند و تناظر بین دو مصراع وجود ندارد.
- (ث) پشت‌گوژ آمد فلک در آفرینش تا کند / هر زمان پیشت زمین‌بوس از برای افتخار «سعدی»  
اسلوب معادله ندارد، چون دو مصراع از لحاظ دستوری مستقل نیستند و اجزای متناظر در دو مصراع وجود ندارد. (حسن تعلیل دارد).
- (ج) سرکشان را فکند تیغ مکافات ز پای / شعله را زود نشانند به خاکستر خویش «هزین لاهیجی»  
سرکشان = شعله / از پای افتادن = به خاکستر نشستن  
انسان‌های سرکش با شمشیر مکافات از پای درمی‌آیند، همان‌گونه که شعله هم به مکافات شعله‌وری به خاکستر می‌نشیند.
- (چ) بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود / پسته بی‌مغز چون لب وا کند، رسوا شود «صائب»  
انسان بی‌کمالیات = پسته بی‌مغز / سخن گفتن = لب باز کردن (پسته)  
نقص و بی‌کمالی انسان با سخن گفتن او آشکار می‌شود، همان‌طور که اگر پسته بی‌مغز را بشکنی، رسوا می‌شود.
- (ح) آزاده را جفای فلک بیش می‌رسد / اول بلا به عاقبت‌اندیش می‌رسد «امیری فیروزکوهی»  
انسان آزاده = عاقبت‌اندیش / جفای فلک = بلا  
انسان آزاده بیشتر در معرض ظلم و ستم روزگار است، همان‌گونه که انسان عاقبت‌اندیش بلاکش است.
- (خ) ملامت از دل سعدی فرونشوید عشق / سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است «سعدی»  
ملامت = سیاهی / دل سعدی = حبشی  
ملامت سعدی، عشق را از دل او نمی‌شوید (با ملامت از عشق دست برنمی‌دارد و آن را ترک نمی‌کند)، همان‌گونه که نمی‌توان رنگ سیاه یک حبشی را از پوست او جدا کرد.

۲- در بیت‌ها و عبارات‌های زیر حس آمیزی را بیابید و توضیح دهید.

(نمل / ۱۱۲)

خداوند لباس هراس و گرسنگی را به آن‌ها چشانند.

چشاندن لباس هراس و گرسنگی (چشایی، بینایی، لامسه و امر ذهنی «هراس»)

«سوراب سپهری»

نجوای نمناک علف‌ها را می‌شنوم.

نجوای نمناک (شنوایی - لامسه)

«حافظ»

از این شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم / که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد؟  
شعر تر شیرین (شنوایی، لامسه و چشایی)

«طالب آملی»

ما گرچه مرد تلخ‌شنیدن نه‌ایم؛ لیک / تلخی که از زبان تو آید، شنیدنی است  
تلخ‌شنیدن (چشایی - شنوایی)

«مولوی»

بوی دهن تو از چمن می‌شنوم / رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم  
شنیدن بو (بوایی - شنوایی) و شنیدن رنگ (بینایی و شنوایی)

«عبدالله مستوفی»

خط شکسته را هم محکم‌تر و بامزه‌تر از دیگران می‌نوشت.

خط بامزه (بینایی - چشایی)

۳- در کدام‌یک از بیت‌های زیر آرایهٔ حسن تعلیل یافت می‌شود؟ توضیح دهید.

«الف»

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت / که چندین گل‌اندام در خاک خفت

شاعر ادعا می‌کند که علت شکفتن گل سرخ بر روی زمین آن است که زیبارویان زیادی زیر خاک خوابیده‌اند (مرده‌اند) (از خاکی که زیبارویان در آن خفته‌اند گل سرخ می‌روید).

«ب»

اشک سحر زباید از لوح دل سیاهی / خرم کند چمن را باران صبحگاهی

اشک و دعای سحرگاهی از دل، تیرگی‌ها و کدورت (گناه) را می‌برد، همان‌طور که باران صبحگاهی هم چمن را باطراوت می‌کند. در این بیت اسلوب معادله داریم، ولی حسن تعلیل نداریم.

«پ»

به یک کرشمه که در کار آسمان کردی / هنوز می‌پرد از شوق چشم کوكب‌ها

شاعر علت چشم‌زدن ستارگان را ناز و کرشمه و نگاه معشوق به آسمان می‌داند.

«ت»

سپهر مردم دون را کند خریداری / بخیل سوی متاعی رود که ارزان است

همان‌طوری که انسان بخیل کالایی را که ارزان است، می‌خرد (خریدار کالای ارزان‌قیمت است)، روزگار هم خریدار مردم پست و دون‌پایه است. در این بیت اسلوب معادله وجود دارد، ولی حسن تعلیل وجود ندارد.

«ث»

خمیده‌پشت از آن گشتند پیران جهان‌دیده / که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را

شاعر می‌گوید پشت پیران خمیده است، چون آن‌ها در پی جستن جوانی خود هستند.

### سوالات امتحانی

۱ در بیت‌های زیر حسن تعلیل را بیابید و توضیح دهید. (۲)

الف) نرگس همی رکوع کند در میان باغ / تا چشم تو ریخت خون عشاق  
ب) ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی  
ت) از دود آه ماست که ابر آشکار گشت

۲ در بیت‌های زیر «حس آمیزی» را نشان دهید. (۲)

الف) لهجهٔ شیرین من پیش دهان تو چیست؟  
ب) من از تو سیر نگرمد و گر تُوَش کنی ابرو  
پ) گردد از دست نوازش پایهٔ معنی بلند  
ت) آن بلبلم که چون کشم از دل صفیر گرم

۳ در کدام‌یک از بیت‌های زیر «اسلوب معادله» آمده است؟ توضیح دهید. (۳)

الف) روشن‌دلان خوش آمد شاهان نگفته‌اند  
ب) از پشیمانی سخن در عهد پیری می‌زنم  
پ) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر

۴ بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های اسلوب معادله، حس آمیزی و حسن تعلیل بررسی کنید. (۳)

الف) من به باغ گل سرخ / زیر آن ساقهٔ تر / عطر را زمزمه کردم تا صبح

ب) چون شود بی‌برکت هر چه شمارند آن را / بوسه‌هایی که بر آن پای زخم شمارم  
پ) ساده‌لوحان زود می‌گیرند رنگ همنشین / صحبت طوطی سخنور می‌کند آئینه را



۱ الف) خم شدن ساقه نرگس در باغ، امری طبیعی است که با ورزش باد اتفاق می افتد، اما شاعر آن را رکوع نرگس در اثر مؤذنی فاخته دانسته است. (ب) دلیل سیاهی زلف معشوق، عذار بودن آن در غم عاشقانی است که در راه رسیدن به معشوق خوششان ریخته شد. (۵/۵) (پ) دلیل نگرستن مردم جهان به ماه، برخوردار بودن ماه از زیبایی معشوق است (ماه زیبایی خود را از زیبایی معشوق گرفته). (۵/۵) (ت) دلیل ایجاد شدن ابر، بالا رفتن آه تیره و دردآلود فراوان شاعر است. دلیل پدید آمدن دریا، جاری شدن سیل اشک از چشمان شاعر است. (۵/۵)

۲ الف) لهجه شیرین ← (لهجه: حس شنوایی، شیرین: حس چشایی) (ب) جواب تلخ ← (جواب: حس شنوایی، تلخ: حس چشایی) / ترش کردن ابرو ← (حس بینایی و چشایی) (پ) شیرین سخن ← (سخن: حس شنوایی، شیرین: حس چشایی) (ت) صغیر گرم ← (صغیر: حس شنوایی، گرم: حس لامسه) شنیدن بو ← (بو بوییدنی است، نه شنیدنی). (۵/۵) (۳) الف) روشن دلان = آینه / شاهان = سکندر / خوش آمد گفتن = عیب پوش شدن (۱) روشن دلان خوش آمد شاهان را نگفته اند، همان گونه که آینه عیب سکندر را نمی پوشاند. (ب) ندارد. (۱) (پ) حریص = آتش سوزنده / سیر نشدن = اشتها داشتن (۱) نعمت دو عالم، حریص را سیر نمی کند، همان طور که آتش سوزنده همیشه اشتها دارد. (۴) الف) حس آمیزی (زمزمه کردن عطر) (۱) (ب) حسن تعلیل (۵/۵) (دلیل نشمردن بوسه هایی (۵/۵) که بر پای محبوب می زند (۵/۵) را ترس از بی برکت شدن و کم شدن آن می داند). (پ) اسلوب معادله (۵/۵) (افراد ساده لوح از همنشین خود تأثیر می گیرند (۵/۵)، همان طور که آینه از همنشینی با طوطی به سخن درمی آید).

### کارگاه تحلیل فصل

۱- اشعار زیر در چه قالبی سروده شده است؟ پس از تعیین پایه های آوایی و وزن واژه های هر مصراع، تفاوت این نوع شعر را با اشعار سنتی بیان کنید.

پایه های آوایی	و	ص	دا	ی	با	د	هر	دم	دل	گ	زا	تر
نشانه های هجایی	×	U	-	×	-	U	-	-	-	U	-	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن					

پایه های آوایی	در	ص	دا	ی	با	د	بانگ	گ	او	ر	ها	تر
نشانه های هجایی	-	U	-	×	-	U	-	×	-	U	-	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن					

پایه های آوایی	از	م	یا	ن	آ	ب	ها	ی	دو	ر	نز	دیک
نشانه های هجایی	-	U	-	×	-	U	-	×	-	U	-	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن					

پایه های آوایی	با	ز	در	گو	شیر	ن	دا	ها	
نشانه های هجایی	-	U	-	-	-	U	-	-	
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن					

پایه های هجایی	آ	ی	آ	دم	ها	
نشانه های هجایی	-	U	-	-	-	
وزن	فاعلاتن			فع		

«نیما یوشیج»

- در قالب شعر نو، طول مصراع ها یکسان نیست؛ تعداد پایه های آوایی هر مصراع با مصراع دیگر متفاوت است و برابر نیست، در حالی که در اشعار سنتی طول مصراع ها برابر است، بنابراین نشانه های هجایی و وزن هر مصراع با مصراع دیگر یکسان است.

۲- پس از خوانش درست شعر نیمایی زیر، پایه‌ها، وزن و نشانه‌های هجایی را مقابل هر مصراع بنویسید.

همان رنگ و همان بوی	پایه‌های آوایی	ه	ما	زَن	گ	ه	ما	بوی									
	نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	U	-	-									
	وزن	مفاعیل			مفاعی (فعولن)												
همان برگ و همان بار	پایه‌های آوایی	ه	ما	بر	گ	ه	ما	بار									
	نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	U	-	-									
	وزن	مفاعیل			مفاعی (فعولن)												
همان خندهٔ خاموش در او خفته بسی راز	پایه‌های آوایی	ه	ما	خَن	د	ی	خا	مو	ش	د	رو	خف	ت	ب	سی	راز	
	نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-
	وزن	مفاعیل		مفاعیل		مفاعیل		مفاعیل		مفاعی (فعولن)							
همان شرم و همان ناز	پایه‌های آوایی	ه	ما	شَر	م	ه	ما	ناز									
	نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	U	-	-									
	وزن	مفاعیل			مفاعی (فعولن)												

«افوان ثالث»

۳- برای اشعار نیمایی زیر، مانند نمونهٔ بالا جدولی بکشید. پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر مصراع را بنویسید؛ سپس اختیار شاعری به‌کاررفته در آن را مشخص کنید.

قایقی خواهم ساخت	پایه‌های آوایی	قا	ی	قی	خا	هم	ساخت									
	نشانه‌های هجایی	-	U	-	-	X	-									
	وزن	فاعلاتن			فَعْلُن											
خواهم انداخت به آب	پایه‌های آوایی	خا	ه	مَن	دا	خت	ب	آب								
	نشانه‌های هجایی	-	U	-	-	U	U	-								
	وزن	فاعلاتن			فَعْلُن											
دور خواهم شد از این خاک غریب	پایه‌های آوایی	دو	ر	خا	هم	ش	د	زی	خا	ک	غ	رب				
	نشانه‌های هجایی	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-				
	وزن	فاعلاتن		فَعْلَاتِن			فَعْلِن									
که در آن هیچ کسی نیست که در بیشهٔ عشق	پایه‌های آوایی	ک	د	را	هی	چ	گ	سی	نی	ست	ک	دَر	بی	ش	ی	عشق
	نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
	وزن	فَعْلَاتِن		فَعْلَاتِن		فَعْلَاتِن		فَعْلَاتِن		فَعْلِن						
قهرمانان را بیدار کند	پایه‌های آوایی	قَه	ر	ما	نا	را	بی	دا	ر	گ	ند					
	نشانه‌های هجایی	-	U	-	-	X	-	-	U	U	-					
	وزن	فاعلاتن			فَعْلَاتِن		فَعْلَاتِن		فَعْلِن							

«سهراب سپهری»

اختیارات شاعری: آوردن فاعلاتن به جای فَعْلَاتِن در مصراع اول، دوم، سوم و پنجم  
 بلندبودن هجای پایانی مصراع اول، سوم و چهارم ← اختیار وزنی  
 ابدال در هجای پنجم مصراع اول و هجای پنجم مصراع پنجم  
 حذف همزه در هجای سوم مصراع دوم، هجای هفتم مصراع سوم و هجای سوم مصراع چهارم ← اختیار زبانی

۴- شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟

«آن کیست که تقریر کند حال گدا را  
کز غلغل بلبل چه خبر باد صبا را  
مستزاد

«ابن فساح هروی»

۵- با توجه به رباعی زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«آغوش سحر تشنه دیدار شماس  
خورشید که در اوج فلک خانه اوست  
الف) دو مورد از ویژگی‌های فکری شعر را بنویسید.

«علیرضا قزوه»

علیرضا قزوه از شاعران عصر انقلاب است. (۱) مفاهیم انتزاعی در شعر او دیده می‌شود. (۲) روح عرفان در آن آشکار است.

ب) از آرایه‌های علم بیان و بدیع، هر کدام، یک مورد بیابید و توضیح دهید.

استفاده از استعاره: آغوش سحر، خجالت مهتاب، همسایگی خورشید

استفاده از مراعات‌نظیر: خورشید، فلک، مهتاب، نور / همسایه، خانه، دیوار / دیدار، رخسار

۶- تحقیق کنید که تضمین به کاررفته در شعر زیر از کدام شاعر است.

صدا چون بوی گل در جنبش آب  
جوان می‌خواند سرشار از غمی گرم  
«تو که نوشم نه‌ای، نیشم چرایی؟  
تو که مرهم نه‌ای، زخم دلم را،  
نمک‌پاش دل ریشم چرایی؟»

«فریدون تولی»

از باباطاهر همدانی (دو بیت آخر)

۷- پس از تعیین پایه‌های آوایی و وزن هر بیت، نام بحر آن را بنویسید.

«مورداد اوستا»

الف) ای مست شب‌رو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟  
گر نیستی، پس چیستی؟ ای همدم تنهای دل

پایه‌های آوایی	ای	مَس	تِ	شَب	رو	کی	س	تِ	آ	یا	مَ	ه	مَن	نِی	س	تِ
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	X	-	-	U	-
پایه‌های آوایی	گر	نیس	تِ	پس	چی	س	تِ	ای	هَم	دَ	مَ	تَن	ها	ی	دِل	
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	X	-	-	U	-	
وزن	مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن						

بحر رجز مثنی‌سال

«سید حسن حسینی»

ب) پر از مثنوی‌های زندانه است  
شب شعر عرفانی چشم تو

پایه‌های آوایی	پُ	رَز	مَث	نَ	وی	ها	ی	رِن	دا	نِ	است
نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	X
پایه‌های آوایی	ش	بِ	شِع	رِ	عِر	فا	نی	ی	چش	مِ	تُ
نشانه‌های هجایی	U	X	-	U	-	-	X	X	-	U	-
وزن	فعولن		فعولن		فعولن		فعولن		فعل		

بحر متقارب مثنی‌محذوف

پایه‌های آوایی	هَر	دَ	مَز	سَر	گش	ت	گی	چُن	گَر	د	می	پی	چَم	ب	خُد
نشانه‌های هجایی	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
پایه‌های آوایی	هم	رَ	ها	زَف	تَد	دُ	من	تن	ها	بَ	صَح	را	ما	دِ	اَم
نشانه‌های هجایی	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
وزن	فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلاتن				فاعلن		

بحر رمل مثنی محذوف

«سعری»

به صد دفتر نشاید گفت حسب‌الحال مشتاقی

(ت) به پایان آمد این دفتر، حکایت هم‌چنان باقی

پایه‌های آوایی	پ	پا	یا	نا	مَ	دِپَ	دَف	تَر	ح	کا	یَت	هَم	چ	نا	با	قی
نشانه‌های هجایی	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
پایه‌های آوایی	پ	صَد	دَف	تَر	نَ	شا	یَد	گُف	ت	حَس	بُل	حا	لِ	مُش	تا	قی
نشانه‌های هجایی	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
وزن	مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن			

بحر هزج مثنی سالم

۸- متن زیر را بخوانید و ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن را بررسی کنید.

«... مینی‌بوس با سرعت نه‌چندان زیاد پیش می‌رفت. نگاه کردم به مناظر اطراف جاده و مزارع و خانه‌های روستایی، بعد از هفتاد و پنج روز زندانی‌بودن، حسی فراموش‌نشده‌ی در من ایجاد می‌کرد. شکل و شمایل خانه‌های روستایی آن‌جا هم شبیه روستای خودمان بود و این تشابه مرا دل‌تنگ می‌کرد. کاش می‌شد گوشه‌ای بایستیم. این آرزو هنوز توی دلم بود که ناگهان صدایی مثل شلیک گلوله بلند شد و مینی‌بوس افتاد به تکان‌های شدید. لاستیکش ترکیده بود. راننده و محافظان مسلح برای تعویض لاستیک پیاده شدند. از اقبال ما بود که زاپاس مینی‌بوس هم پنجر از آب درآمد و عراقی‌ها مجبور شدند همان‌جا لاستیک را پنچرگیری کنند. این یعنی فرصتی برای ما که زیر نگاه سربازان مسلح عراقی روی زمین بنشینیم و مشاممان را پر کنیم از بوی تازه‌ی علف و گوش‌هایمان را از صدای گنجشک‌های آزاد آسمان.»

(۱) ویژگی‌های زبانی: زبان ساده، در عین حال جذاب و توصیف‌گر و عامیانه است. حالات انسانی و فضای وقوع رویداد با حوصله ترسیم شده است. بهره‌گیری از واژگان اروپایی مانند: لاستیک، زاپاس و مینی‌بوس / کاسته‌شدن واژگان عربی نسبت به گذشته / بهره‌گیری از عبارات‌های عامیانه مثل: پنجر از آب درآمدن، توی دلم بود / حذف فعل: مشاممان را پر کنیم از بوی تازه‌ی علف و گوش‌هایمان را از صدای گنجشک‌های آزاد آسمان (پر کنیم)

(۲) ویژگی‌های ادبی: گرایش به قالب خاطره، قطعه ادبی و ... در این دوره رایج شد. قالب این نوشته، خاطره است و براساس خاطره یک نوجوان کرمانی (یوسف‌زاده) که در جنگ به دست نیروهای عراقی اسیر شده، نوشته شده است.

(۳) ویژگی‌های فکری: متن مربوط به پس از انقلاب و دوران جنگ است. مقاومت هشت‌ساله مردم در جنگ تحمیلی، به خصوص اسرا در زندان‌های عراق به تصویر کشیده شده است.

### جدول بارم‌بندی درس علوم و فنون ادبی ۳

ردیف	موضوع	نمره
۱	مبانی تحلیل متن تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی	۴ نمره
۲	موسیقی شعر	۶ نمره
۳	زیبایی‌شناسی	۶ نمره
۴	نقد و تحلیل نظم و نثر	۴ نمره
جمع		۲۰

رشته ادبیات و علوم انسانی		علوم و فنون ادبی ۳	
نوبت اول پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم		مدت آزمون: ۸۰ دقیقه	
ردیف	الف) تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی (۴ نمره)		
۱	درستی یا نادرستی هر یک از عبارات‌های زیر را بنویسید. الف) مهم‌ترین اثر ملک‌الشعرای بهار، «منشآت» است. ب) فرخی یزدی، تحت تأثیر شاعران گذشته، به ویژه مسعود سعد و سعدی بود. پ) همه شاعران در عصر بیداری صرفاً به محتوا گرایش داشتند. ت) با وجود پیروی شاعران دوره بازگشت از اسلوب کهن، در زبان، تخیل و اندیشه این سبک، نوآوری‌هایی دیده می‌شود.	درست	نادرست
۱	جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. الف) مفهوم ..... در شعر عصر بیداری، مترادف با مفهوم دموکراسی غربی است. ب) در عصر مشروطه بیشترین رویکرد نویسندگان به رمان‌های ..... بود. پ) انجمن ادبی خاقان به ریاست ..... در تهران تشکیل شد. ت) فعالیت اصلی ادیب‌الممالک فراهانی ..... بود.		
۳	گزینه درست را انتخاب کنید. مجموعه نوشته‌های طنزآمیز سیاسی - اجتماعی ..... با عنوان «چرند و پرند» در روزنامه صور اسرافیل منتشر می‌شد. ۱) علی‌اکبر دهخدا ۲) میرزا حبیب اصفهانی ۳) میرزا آقا تبریزی ۴) یوسف‌خان اعتصامی	۰/۲۵	
۴	از بارزترین شاخصه‌های زبان شعر عصر بیداری، ..... است. ۱) استفاده از اصطلاحات موسیقی ۲) سادگی و روانی ۳) پایبندی و التزام به سنت‌های ادبی ۴) پیچیدگی	۰/۲۵	
۵	به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه بدهید. در عصر بیداری چه عاملی سبب افزایش آگاهی همگانی شد؟	۰/۵	
۶	تنها اثر قابل توجه در زمینه تحقیقات ادبی و تاریخی در عصر مشروطه را نام ببرید.	۰/۵	
۷	هر یک از عبارات‌های زیر، کدام‌یک از ویژگی‌های شعر سبک دوره بیداری (زبانی، ادبی، فکری) را نشان می‌دهد؟ الف) نگرش شاعران از کلی‌نگری و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد. ب) نثر فارسی عصر بیداری قید و بندهای نثر مصنوع و فنی را کنار می‌گذارد و گزارشی و ساده می‌شود.	۰/۵	
<b>ب) موسیقی شعر (۶ نمره)</b>			
۸	تقطیع مثال‌های زیر، به صورتی که بین کمانک صورت گرفته، با کدام اختیارات شاعری زبانی مطابقت دارد؟ الف) اهل جهان (—   —   —)      ب) گفت ای (—)      پ) زانوی ادب (—   —   —)	۱/۵	
۹	نشانه‌های هجایی بیت زیر را به دو صورت برش بزنید، پس از تعیین پایه‌های آوایی وزن هر یک را بنویسید. «خون دل عاشقان مشتاق در گردن دیده بلاجوست»	۲	
۱۰	وزن مربوط به هر یک از سروده‌های گروه «الف» را از گروه «ب» انتخاب کنید. «الف» ۱) رفتی آن گونه که نشناختم از فرط لطافت ۲) یک جمع نکوشیده رسیدند به مقصد ۳) نیامد کس اندر جهان کاو بماند ۴) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست «ب» ● فاعلن فاعلن فعل ● فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن ● مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن ● مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن	۲	
۱۱	جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید. الف) گاهی شاعر بنا به ضرورت کسره اضافه و «و» (ضمه) عطف و یا ربط و نیز مصوت کوتاه پایان کلمه را ..... به حساب می‌آورد. ب) مصوت بلند /و/ در کلمات تک‌هجایی بو، مو، جو، رو و ... هیچ‌گاه ..... نمی‌شود.	۰/۵	

### (ج) زیبایی‌شناسی (۶ نمره)

۰/۵	۱۲	در بیت «هر کجا غم نیست، آن جا زندگانی مشکل است / زین سبب آدم به تعجیل از بهشت آمد برون» آرایه تلمیح را توضیح دهید.
۲	۱۳	در هر یک از بیت‌های گروه «الف»، کدام آرایه گروه «ب» به کار رفته است؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافی است). گروه «الف» الف) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت ب) شب وصل است و طی شد نامه هجر / «سلامّ فیه حتّی مطلع الفجر» پ) آن قدر منتظرم در ره عشق / که اگر زود بیایی، دیر است ت) از مه او مه شکافت، دیدن او برنتافت / ماه چنان بخت یافت، او که کمینه گداست گروه «ب» تضاد ● ● تلمیح ● ● لفّ و نشر ● ● تضمین ● ● متناقض‌نما ●
۰/۵	۱۴	درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید. الف) در بیت «زلف آشفته او موجب جمعیت ماست / چون چنین است، پس آشفته‌ترش باید کرد» آرایه تضاد به کار رفته است. ب) در «لفّ و نشر» شاعر هیچ‌گاه تعیین نمی‌کند که هر یک از وصفها، توضیحات و یا امثال به کدام‌یک از موارد ذکرشده ربط دارد.
۱	۱۵	آرایه «لفّ و نشر» را در بیت زیر نشان دهید و نوع آن را بنویسید. «اشک و رخ من هر دو سرخ است و کبود از تو خوش رنگریزی زین پس عیسی هنرت خوانم»
۲	۱۶	در هر یک از بیت‌های زیر آرایه‌های مراعات‌نظیر، تضاد، تضمین و متناقض‌نما را بیابید. الف) زر ستانم از گدایان، بخش بر شاهان کنم ب) کوی دلدار بهشت است، چمن نتوان گفت پ) گفتم آیا که در این درد بخواهم مردن؟ ت) بی تربیت، آزادی و قانون نتوان داشت هم زرم، هم زرطلب، هم پادشاهم هم گدا نقش‌هایش گل و نسرين و سمن نتوان گفت که محال است که حاصل کنم این درمان را «سعفص» نتوان خواند، نخوانده «کلمن» را

### (د) نقد و تحلیل شعر و نثر (۴ نمره)

۰/۵	۱۷	با توجه به شعر زیر پاسخ دهید. ای دیو سپید پای در بند از سیم به سر یکی کله‌خود تو مشّت درشت روزگاری ای مشّت زمین بر آسمان شو شو منفجر ای دل زمانه گر آتش دل نهفته داری زین بی‌خردان سفله بستان الف) شعر را از نظر قالب بررسی کنید. ب) در بیت آخر، کدام‌یک از درون‌مایه‌های شعر دوره‌ای که شاعر در آن می‌زیسته دیده می‌شود؟ پ) بیت اول را تقطیع هجایی کنید و وزن آن را بنویسید.
۰/۵	۱۸	متن زیر از کتاب «چرند و پرند» را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید. «باری، چه دردسر بدهم؟ آن قدر گفت و گفت و گفت تا ما را به این کار واداشت. حالا که می‌بیند آن روی کار بالاست، دست و پایش را گم کرده، تمام آن حرف‌ها یادش رفته. تا یک فراش قرمزپوش می‌بیند، دلش می‌تپد، تا به یک ژاندارم چشمش می‌افتد، رنگش می‌پرد، هی می‌گوید: امان از همنشین بد.» الف) متن متعلق به کدام دوره است؟ ب) ویژگی‌های زبانی آن را بنویسید.
۰/۵	۲۰	جمع نمره

علوم و فنون ادبی ۳		رشته ادبیات و علوم انسانی
مدت آزمون: ۹۰ دقیقه		نوبت دوم پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم خرداد ۱۴۰۰
<b>الف) تاریخ ادبیات (۲ نمره)</b>		
۱	واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) اولین کسی که در ایران به نوشتن نمایشنامه فارسی پرداخت، (میرزا آقا تبریزی - میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل) بوده است. ب) اولین رمان اجتماعی را «مرتضی مشفق کاظمی» در سال ۱۳۰۱ با نام (شمس و طغرا - تهران مخوف) منتشر کرد.	۰/۵
۲	کدام یک از جملات زیر، درست است؟ (۱) شاعران جریان «سمبولیسم اجتماعی» یا «شعر نوی حماسی» بیشتر به مسائل سیاسی، اجتماعی، مشکلات و آرمان‌های مردم توجه داشتند. (۲) «سید محمدعلی جمال‌زاده» را با مجموعه داستان «تلخ و شیرین» آغازگر داستان‌نویسی فارسی به شیوه نوین می‌دانند.	۰/۲۵
۳	نثر پرشتاب و بریده‌بریده ..... را با عنوان «نثر تلگرافی» یاد می‌کنند. (۱) اسماعیل فصیح (۲) جلال آل احمد (۳) محمود دولت‌آبادی (۴) هوشنگ گلشیری	۰/۲۵
۴	یک اثر از «مهدی اخوان ثالث» نام ببرید.	۰/۲۵
۵	کدام یک از موارد ستون «ب» به جملات ستون «الف» مربوط است؟ (یک مورد در ستون «ب» اضافی است). گروه «الف» گروه «ب» (۱) روح حماسی اشعار دوران مقاومت که با موجی از عرفان آمیخته شده ..... (۲) سال‌های پس از جنگ، دوران اوج شکوفایی ..... در ایران بود. ..... ..... .....	۰/۵
۶	در متن زیر، یک واژه نادرست به کار رفته است؛ درست آن را بنویسید. «عرصه هنر «عارف قزوینی» تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی‌ای بود که در برانگیختن مردم و آزادی‌خواهی نقش بسیار مؤثری داشت. او مضامین طنز و ستیز با نادانی را با آوازی زیبا و پرشور می‌خواند.»	۰/۲۵
<b>ب) سبک‌شناسی (۲ نمره)</b>		
۷	در بیت زیر از «ملک‌الشعرا بهار»، کاربرد واژه مشخص شده، جزء کدام سطح از سبک شعر در دوره «بازگشت و بیداری» است؟ «بشکن در دوزخ و برون ریز بادافره کفر کافری چند»	۰/۵
۸	در جاهای خالی کلمات مناسب بنویسید. الف) اندیشه حاکم بر داستان‌های دهه اول پس از پیروزی انقلاب، ابتدا سیاسی و در مرحله بعد، ..... است. ب) در شعر سنتی دوره انقلاب اسلامی تقلید از سبک عراقی و ..... و تمایل به آن‌ها زیاد است.	۰/۵
۹	کدام یک از ویژگی‌های زیر «وجه اشتراک» سطح زبانی شعر «دوره بازگشت و بیداری» و «دوره معاصر تا انقلاب اسلامی» است؟ (۱) کم‌توجهی به کاربرد جمله‌ها و ترکیبات زبانی در شعر (۲) آشنایی‌زدایی زبانی و روی آوردن به ترکیبات بدیع (۳) سادگی و روانی زبان شعر	۰/۲۵
۱۰	کدام یک از عبارات‌های زیر بیانگر ویژگی «سطح ادبی» سبک نثر دوره بیداری است؟ (۱) یکی از ضعف‌های تکنیکی در اغلب داستان‌های دوران مشروطه، حضور راوی سوم‌شخص در بعضی صحنه‌های داستان است. (۲) بسیاری از نثرهای دوره بیداری به‌ویژه نثر داستانی به موضوع تفر از خرافات می‌پردازد.	۰/۲۵
۱۱	هر یک از جملات زیر، مربوط به کدام یک از ویژگی‌های (زبانی - ادبی - فکری) است؟ الف) در دهه هشتاد شاهد داستان‌نویسی (مینی‌مال) و مدرن‌نویسی هستیم. ب) موضوع شعر در ادبیات معاصر، محدود نیست و بسیار تنوع دارد و شاعر برای انتخاب موضوع آزاد است.	۰/۵

### ج) موسیقی شعر (۶ نمره)

۱۲	کدام یک از ابیات زیر، دو برش آوایی دارد (با دو وزن خوانده می‌شود)؟ (۱) ماه فروماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد (۲) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
۱۳	برای هر یک از ابیات زیر، یکی از وزن‌های داخل کمانک را انتخاب کنید. (ناهمسان - همسان یک پایه‌ای - همسان دولختی) (الف) بی تو در کلبه گدایی خویش رنج‌هایی کشیده‌ام که مپرس (ب) گفתי به غمم بنشین یا از سر جان برخیز فرمان برمت جانا بنشینم و برخیزم (پ) نسیم صبح را گفتم که با او جانبی داری کز آن جانب که او باشد، صبا عنبرفشان آید
۱۴	در بیت «در دام فتاده آهویی چند / محکم شده دست و پای در بند»: (الف) چرا مصوت بلند / و / در کلمه «آهو» کوتاه تلفظ شده است؟ (ب) شاعر در واژه «آهو» از کدام اختیار شاعری داخل کمانک مقابل، استفاده کرده است؟ (وزنی - زبانی) (پ) چند هجای کشیده (بدون توجه به اختیارات شاعری) در بیت وجود دارد؟
۱۵	در کدام یک از واژگان بیت زیر، مصوت بلند / ی / همواره کوتاه است؟ «به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن!»
۱۶	برای بیت «دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت / عمری است که عمرم همه در کار دعا رفت» کدام وزن ترجیح ندارد؟ (۱) مفعول، مفاعیل مفاعیل فاعولن (۲) مستفعل مستفعل مستفعل مستف
۱۷	در کدام رکن از بیت «چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست / سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست» اختیار شاعری «ابدال» به کار رفته است؟
۱۸	نام بحر کدام یک از ابیات زیر، «رمل مثنیٰ سالم» است؟ (۱) هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بردارد (۲) شیرمردی باید این ره را شگرف زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف
۱۹	بیت «باد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد / به وداعی دل غم‌یده ما شاد نکرد» را: (الف) تقطیع هجایی کنید. (ب) نشانه‌های هجایی آن را بگذارید. (پ) وزن بیت را بنویسید.
۲۰	نام قالب هر یک از اشعار زیر را بنویسید. (الف) می‌تراود مهتاب / می‌درخشد شب‌تاب / نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لیک / غم این خفته چند / خواب در چشم ترم می‌شکند» (ب) هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد دل ببرد و نهان شد هر دم به لباسی دگر آن یار برآمد گه پیر و جوان شد

### د) زیبایی‌شناسی (۶ نمره)

۲۱	در هر یک از بیت‌های گروه «الف» کدام آرایه ادبی گروه «ب» به کار رفته است؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافی است.) گروه «الف» گروه «ب» (۱) حافظ از جور تو، حاشا که بگرداند روی / «من از آن روز که در بند توام آزادم» (۲) موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت / هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم (۳) برهنه چو تیغ تو بیند عقاب / نیارد به نخجیر کردن شتاب (۴) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را تضاد تضمین اسلوب معادله لف و نشر اغراق
----	---



۰/۵	۲۲	برای هر یک از ابیات زیر، آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) چون جَوَابِ احمق آمد خامشی این درازی در سخن چون می‌کشی (تلمیح - حسن تعلیل) ب) من مسلمانم / قبله‌ام یک گل سرخ / جانمازم چشمه، مُهرم نور / دشت سجاده من (متناقض‌نما - مراعات نظیر)
۰/۷۵	۲۳	با توجه به بیت زیر: «نرگس همی رکوع کند در میان باغ زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی» الف) شاعر چه دلیلی «برای رکوع گل نرگس» بیان کرده است؟ ب) این آرایه و هنر شاعرانه چه نام دارد؟
۰/۵	۲۴	در بیت «افروختن و سوختن و جامه‌دریدن / پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت» الف) «لَفّ اول» را بیابید. ب) نوع این «لَفّ و نشر» را بنویسید.
۰/۵	۲۵	با ذکر دلیل ثابت کنید در بیت زیر آرایه «متناقض‌نما» به کار رفته است. «می‌خورم جام غمی هر دم به شادای رخت خرم آن کس کاو بدین غم شادمانی می‌کند»
۰/۵	۲۶	در بیت «روی خوبت آبتی از لطف بر ما کشف کرد / زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما» الف) کدام واژه، آرایه «ایهام تناسب» را به وجود آورده است؟ ب) این واژه با کدام کلمه در بیت «تناسب» برقرار کرده است؟
۰/۷۵	۲۷	با توجه به ابیات: ۱) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر یادگاری که در این گنبد دوار بماند ۲) دل چو غافل شد ز حق، فرمان‌پذیر تن بود می‌برد هر جا که خواهد اسب، خواب‌آلوده را الف) در کدام بیت آرایه «اسلوب معادله» وجود دارد؟ ب) چگونه به وجود این آرایه در بیت پی برده‌اید؟ (ذکر یک دلیل کافی است.)
۰/۷۵	۲۸	در بیت «خانه زندان است و تنهایی ضلال / هر که چون سعدی گلستانیش نیست»: الف) در کدام واژه، آرایه «ایهام» به کار رفته است؟ ب) معانی مختلف این واژه را بنویسید.
۰/۷۵	۲۹	در سروده «با من بیا به خیابان / تا بشنوی بوی زمستانی که در باغ رخنه کرده است»: الف) آرایه قسمت مشخص شده چه نام دارد؟ ب) دلیل خود را برای وجود این آرایه بنویسید.
<b>ه) نقد و تحلیل نظم و نثر (۴ نمره)</b>		
۱	۳۰	با توجه به شعر زیر از «قیصر امین‌پور» به پرسش‌ها پاسخ دهید: «سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم چو گلدان خالی لب پنجره پر از خاطرات ترک‌خورده‌ایم اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم اگر دل دلیل است، آورده‌ایم اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم» الف) یک مورد از ویژگی‌های «فکری» این سروده را بیان کنید. ب) مفهوم کنایه «مصرع» «اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم» چیست؟
۱	۳۱	با توجه به متن زیر: «وقتی بچه‌هایی که می‌افتادند، خوابیده به سمت خاکریز نشانه می‌رفتند و آخرین رمق‌هایشان را در آخرین فشنگ‌هایشان می‌ریختند و شلیک می‌کردند، جایز نبود که من هم چنان بی‌حرکت بمانم و فقط دنبال شما بگردم. آن قسمت خاکریز را که بیشتر آتش به پا می‌کرد، نشانه رفتم و یک خشاب فشنگم را درست در همان نقطه آتش خالی کردم و با خاموش شدن آن آتش که تیربار به نظر می‌آمد نیرو گرفتم ...» «سید مهدی شجاعی» الف) دو ویژگی «زبانی» برای این متن بنویسید. ب) نویسنده، این متن را در چه قالبی نوشته است؟

۰/۵	۲۲	شعر زیر سروده «نیمایوشیج» است. یک ویژگی برای آن ذکر نمایید. «در شب تیره دیوانه‌ای کاو / دل به رنگی گریزان سپرده / در دره سرد و خلوت نشسته / همچو ساقه گیاهی فسرده / می‌کند داستانی غم‌آور ...»
۰/۵	۲۳	در سروده زیر کدام آرایه به کار نرفته است؟ «رود می‌نالد / جغد می‌نالد / غم بیاویخته با رنگ غروب / می‌تراود ز لبم قصه سرد / دلم افسرده در این تنگ غروب» (۱) استعاره مکنیه (۲) حس آمیزی (۳) متناقض‌نما (۴) جناس
۰/۵	۲۴	متن زیر از «علی‌اکبر دهخدا» است، دو ویژگی «زبانی» آن را بیان کنید. «ننه، هان! این زمین روی چیه؟ روی شاخ گاو، گاو روی چیه؟ روی ماهی، ماهی روی چیه؟ روی آب، آب روی چیه؟ وای وای! الهی رودات ببره. چه قدر حرف می‌زنی؟! حوصلم سر رفت! آفتابه لگن شش دست، شام و ناهار هیچی! گفت نخور، عسل و خربزه با هم نمی‌سازند.»
۰/۵	۲۵	دو مورد از ویژگی‌های متن زیر از «جمال‌زاده» را بنویسید. «گفتم ای بابا، خدا را خوش نمی‌آید. این بدبخت‌ها سال آزرگار یک بار برایشان چنین پایی می‌افتد و شکم‌ها را مدتی است صابون زده‌اند که کباب غاز بخورند و ساعت‌شماری می‌کنند، چه طور است از منزل یکی از دوستان و آشنایان یک دست دیگر ظرف و لوازم عاریه بگیریم؟»
۲۰		جمع نمرات

ردیف	پاسخ آزمون نوبت اول علوم و فنون ادبی ۳																																																												
۱	الف) نادرست؛ منشآت اثر قائم‌مقام فراهانی است. (۰/۲۵) ب) درست (۰/۲۵) پ) نادرست؛ اغلب شاعران به محتوا گرایش داشتند. (۰/۲۵) ت) نادرست؛ نوآوری دیده نمی‌شود. (۰/۲۵)																																																												
۲	الف) آزادی (۰/۲۵) ب) تاریخی (۰/۲۵) پ) فتحعلی‌شاه (۰/۲۵) ت) روزنامه‌نگاری (۰/۲۵)																																																												
۳	گزینه «۱» (۰/۲۵)																																																												
۴	گزینه «۲» (۰/۲۵)																																																												
۵	ظهور مطبوعات و گسترش آن در جامعه (۰/۵)																																																												
۶	تاریخ بیداری ایرانیان (۰/۵)																																																												
۷	الف) فکری (۰/۲۵) ب) ادبی (۰/۲۵)																																																												
۸	الف) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (تغییر کمیت مصوت‌ها) در هجای دوم (۰/۵) ب) حذف همزه (۰/۵) پ) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (تغییر کمیت مصوت‌ها) در هجای دوم (۰/۵)																																																												
۹	<table border="1"> <thead> <tr> <th>تقطیع هجایی</th> <th>خو</th> <th>ن</th> <th>د</th> <th>ل</th> <th>عا</th> <th>ش</th> <th>قا</th> <th>ن</th> <th>مش</th> <th>تا</th> <th>ق</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>نشانه‌های هجایی</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> </tr> <tr> <td>تقطیع هجایی</td> <td>در</td> <td>گر</td> <td>ن</td> <td>ن</td> <td>دی</td> <td>د</td> <td>ی</td> <td>ب</td> <td>لا</td> <td>جو</td> <td>ست</td> </tr> <tr> <td>نشانه‌های هجایی</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>—</td> </tr> <tr> <td>وزن</td> <td colspan="3">مستفعل</td> <td colspan="3">فاعلات</td> <td colspan="2">فعلن</td> <td colspan="3"></td> </tr> </tbody> </table> <p>شیوه ۱: مستفعل فاعلات فعلن (۰/۵) — / — / — / — / — / — شیوه ۲: مفعول مفاعیل فاعلن (۰/۵) — / — / — / — / — / —</p>	تقطیع هجایی	خو	ن	د	ل	عا	ش	قا	ن	مش	تا	ق	نشانه‌های هجایی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	تقطیع هجایی	در	گر	ن	ن	دی	د	ی	ب	لا	جو	ست	نشانه‌های هجایی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	وزن	مستفعل			فاعلات			فعلن				
تقطیع هجایی	خو	ن	د	ل	عا	ش	قا	ن	مش	تا	ق																																																		
نشانه‌های هجایی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—																																																		
تقطیع هجایی	در	گر	ن	ن	دی	د	ی	ب	لا	جو	ست																																																		
نشانه‌های هجایی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—																																																		
وزن	مستفعل			فاعلات			فعلن																																																						
۱۰	۱) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (۰/۵) ۲) مفعول مفاعیل فاعلن (۰/۵) ۳) فاعلن فاعلن فاعل (۰/۵) ۴) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (۰/۵)																																																												
۱۱	الف) بلند (۰/۲۵) ب) کوتاه (۰/۲۵)																																																												
۱۲	به رانده شدن حضرت آدم از بهشت اشاره دارد. (۰/۵)																																																												

۱۳	الف) لَقونشر (جیب: لَف ۱، مال: نشر ۱ / جام: لَف ۲، می: نشر ۲) (۰/۵) ب) تضمین (مصراع دوم آیه‌ای از قرآن است). (۰/۵) پ) تضاد (زود ≠ دیر) (۰/۵) ت) تلمیح به معجزه شق القمر دارد. (۰/۵)																																										
۱۴	الف) نادرست؛ متناقض‌نما دارد. (۰/۲۵) ب) درست (۰/۲۵)																																										
۱۵	اشک: لَف ۱، رخ: لَف ۲ (۰/۲۵) سرخ: نشر ۱، کبود: نشر (۰/۲۵) ۲ لَقونشر مرتب (۰/۵)																																										
۱۶	الف) متناقض‌نما (هم پادشاهم هم گدا) (۰/۵) ب) مراعات‌نظیر (چمن، گل، نسرين، سمن) (۰/۵) پ) تضاد (درد ≠ درمان) (۰/۵) ت) تضمین (مصراع دوم به حروف ابجد اشاره دارد). (۰/۵)																																										
۱۷	الف) قصیده است با توجه به شکل قافیه‌ها و محتوای آن. (۰/۵) ب) توجه به مردم و انعکاس خواست‌ها و علایق توده مردم (۰/۵) پ)																																										
۰/۵	<table border="1"> <tr> <td>بند</td> <td>در</td> <td>ی</td> <td>پا</td> <td>د</td> <td>پی</td> <td>س</td> <td>و</td> <td>دی</td> <td>ای</td> <td rowspan="2">پایه‌های آوایی</td> </tr> <tr> <td>وند</td> <td>ما</td> <td>د</td> <td>ای</td> <td>تی</td> <td>گی</td> <td>د</td> <td>ب</td> <td>گن</td> <td>ای</td> </tr> <tr> <td>(۰/۵)</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>نشانه‌های هجایی</td> </tr> <tr> <td>(۰/۵)</td> <td colspan="2">فعلن</td> <td colspan="3">فاعلاتن</td> <td colspan="3">مستفعل</td> <td>وزن</td> </tr> </table>	بند	در	ی	پا	د	پی	س	و	دی	ای	پایه‌های آوایی	وند	ما	د	ای	تی	گی	د	ب	گن	ای	(۰/۵)	—	—	U	—	U	—	U	U	—	نشانه‌های هجایی	(۰/۵)	فعلن		فاعلاتن			مستفعل			وزن
بند	در	ی	پا	د	پی	س	و	دی	ای	پایه‌های آوایی																																	
وند	ما	د	ای	تی	گی	د	ب	گن	ای																																		
(۰/۵)	—	—	U	—	U	—	U	U	—	نشانه‌های هجایی																																	
(۰/۵)	فعلن		فاعلاتن			مستفعل			وزن																																		
۱۸	الف) دوره بیداری (۰/۵) / ب) واژه‌ها و ترکیبات عربی ناآشنا کم‌تر استفاده شده است. (۰/۲۵) نثر، ساده و روان و قابل فهم است (۰/۵) و از عبارات عامیانه و ضرب‌المثل هم استفاده شده است. (۰/۲۵)																																										

ردیف	پاسخ‌نامه آزمون نوبت دوم علوم و فنون ادبی ۳
۱	الف) میرزا آقا تبریزی (۰/۲۵) ب) تهران مخوف (۰/۲۵)
۲	گزینه «۲» محمدعلی جمال‌زاده با داستان «یکی بود یکی نبود» آغازگر داستان‌نویسی فارسی به سبک نوین است. (۰/۲۵)
۳	گزینه «۲» جلال آل احمد (۰/۲۵)
۴	آخر شاهنامه، زمستان، از این اوستا در حیاط کوچک پاییز در زندان، ارغنون، تو را ای کهن بوم و بر دست دارم. (یک مورد) (۰/۲۵)
۵	۱) ← محتوای شعر (۰/۲۵) ۲) ← رمان نویسی (۰/۲۵)
۶	به جای طنز، واژه «وطن‌دوستی» درست است. (۰/۲۵)
۷	زبانی (۰/۵)
۸	الف) اجتماعی (۰/۲۵) ب) خراسانی (۰/۲۵)
۹	گزینه «۳» (۰/۲۵)
۱۰	گزینه «۱» (۰/۲۵)
۱۱	الف) ادبی (۰/۲۵) ب) فکری (۰/۲۵)
۱۲	گزینه «۲» بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست (۰/۲۵) وزن: «مستفعلن مفاعلهن / مستفعلن فعلن»
۱۳	الف) ناهمساز (فاعلاتن مفاعلهن فعلن) (۰/۲۵) ب) همسان دولختی (مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن / مفعول مفاعلهن مفعول مفاعلهن) (۰/۲۵) پ) همسان یک‌پایه‌ای (مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن) (۰/۲۵)
۱۴	الف) چون بعد از مصوت بلند / و / مصوت آمده است. (۰/۵) ب) زبانی (۰/۲۵) پ) چهار هجای کشیده: / دام / چند / پای / بند (۰/۲۵)
۱۵	گیاه (۰/۲۵)
۱۶	گزینه «۱» مفعول مفاعلهن مفاعلهن فعلن (۰/۲۵) (چون برش ۴ تا ۴ ارجح‌تر است).

۱۷	رکن پایانی مصراع دوم (هجای ۱۳ و ۱۴) (۰/۵)																																																																																
۱۸	گزینه «۱» هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد / هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر ندارد «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن»																																																																																
۱۹	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse; text-align: center;"> <tr> <td>تقطیع هجایی</td> <td>یا</td> <td>د</td> <td>با</td> <td>دا</td> <td>ک</td> <td>ز</td> <td>ما</td> <td>وق</td> <td>ت</td> <td>س</td> <td>فر</td> <td>یا</td> <td>د</td> <td>ن</td> <td>گرد</td> </tr> <tr> <td>نشانه‌های هجایی</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>U—</td> </tr> <tr> <td>تقطیع هجایی</td> <td>پ</td> <td>و</td> <td>دا</td> <td>عی</td> <td>د</td> <td>ل</td> <td>غم</td> <td>دی</td> <td>د</td> <td>ی</td> <td>ما</td> <td>شا</td> <td>د</td> <td>ن</td> <td>کرد</td> </tr> <tr> <td>نشانه‌های هجایی</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>—</td> <td>—</td> <td>U</td> <td>U</td> <td>U—</td> </tr> <tr> <td>وزن</td> <td colspan="2">فاعلاتن (فاعلاتن)</td> <td colspan="2">فاعلاتن</td> <td colspan="2">فاعلاتن</td> <td colspan="2">فاعلاتن</td> <td colspan="2">فاعلاتن</td> <td colspan="2">فاعلاتن</td> <td colspan="2">فاعلاتن</td> <td>فعلن</td> </tr> </table>	تقطیع هجایی	یا	د	با	دا	ک	ز	ما	وق	ت	س	فر	یا	د	ن	گرد	نشانه‌های هجایی	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	U—	تقطیع هجایی	پ	و	دا	عی	د	ل	غم	دی	د	ی	ما	شا	د	ن	کرد	نشانه‌های هجایی	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	U—	وزن	فاعلاتن (فاعلاتن)		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فعلن
تقطیع هجایی	یا	د	با	دا	ک	ز	ما	وق	ت	س	فر	یا	د	ن	گرد																																																																		
نشانه‌های هجایی	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	U—																																																																		
تقطیع هجایی	پ	و	دا	عی	د	ل	غم	دی	د	ی	ما	شا	د	ن	کرد																																																																		
نشانه‌های هجایی	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	U—																																																																		
وزن	فاعلاتن (فاعلاتن)		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فاعلاتن		فعلن																																																																		
۲۰	الف) شعر نو (نیمایی) (۰/۲۵)      ب) مستزاد (۰/۲۵)																																																																																
۲۱	۱) ← تضمین (۰/۲۵)      ۲) ← تضاد (۰/۲۵) ۳) ← اغراق (۰/۲۵)      ۴) ← اسلوب معادله (۰/۲۵)																																																																																
۲۲	الف) تلمیح (۰/۲۵)      ب) مراعات نظیر (۰/۲۵)																																																																																
۲۳	الف) شاعر علت رکوع گل نرگس را اذان گفتن فاخته بر روی سرو دانسته است. (۰/۵) ب) حسن تعلیل (۰/۲۵)																																																																																
۲۴	الف) افروختن (۰/۲۵)      ب) لَف و نشر نامرتب (مشوَش) (۰/۲۵)																																																																																
۲۵	با غم شادمانی‌کردن در کلام شاعر به شکل ادبی و هنرمندانه، تناقض دارد، زیرا نمی‌توان با غم شادمانی کرد و این غیرممکن است. (۰/۵)																																																																																
۲۶	الف) آیت (۰/۲۵)      ب) تفسیر (۰/۲۵)																																																																																
۲۷	الف) بیت «۲» (۰/۲۵) ب) هریک از دو مصراع استقلال نحوی و معنایی دارند و مصراع دوم در حکم مصداق و تأییدی برای مصراع اول است. شاعر بر پایه تشبیه بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار کرده است. (یک دلیل) (۰/۵)																																																																																
۲۸	الف) گلستان (۰/۲۵)      ب) ۱) باغ و گلزار ۲) کتاب گلستان سعدی (۰/۲۵)																																																																																
۲۹	الف) حس آمیزی (۰/۲۵)      ب) زیرا شاعر دو حس بویایی و شنوایی را در هم آمیخته است. (۰/۵)																																																																																
۳۰	الف) استقامت و پایداری در دوران دفاع مقدس - سربلندی و افتخار - زنده نگه داشتن خاطرات و حفظ ارزش‌های دفاع مقدس - غزل حماسی - بعد حماسی و عرفانی - مفاهیم انتزاعی - بعد زمینی و آسمانی - فرهنگ دفاع مقدس (یک مورد) (۰/۵) ب) خون دل خوردن: به مفهوم غصه خوردن و ناراحتی دیدن. (۰/۵)																																																																																
۳۱	الف) ۱) بهره‌گیری از ساده‌نویسی ۲) زبان داستان‌ها به‌ویژه در زمان جنگ بیشتر عامیانه است. ۳) با انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، بسیاری از واژه‌های مرتبط به فرهنگ ایثار و شهادت و مبارزه و مقاومت وارد زبان داستان این دوره شده یا عامیانه‌نویسی و واژه‌هایی که برگرفته از فرهنگ اسلامی است. (دو مورد) (۰/۵) ب) قالب نوشته «خاطره‌نویسی» است. (۰/۵)																																																																																
۳۲	تغییر در آوردن جایگاه قافیه و کوتاهی و بلندی مصراع‌ها - نگاه نو و نگرش عاطفی به واقعیات ملموس - سیر آزاد و تخیل - نزدیکی به ادبیات نمایشی از ویژگی‌های شعر نیماست. (یک مورد) (۰/۵)																																																																																
۳۳	گزینه «۳» متناقض‌نما (۰/۲۵) (استعاره مکنیه: رود می‌نالد/ حس آمیزی: قصه سرد/ جناس: رنگ و تنگ)																																																																																
۳۴	ساده و قابل فهم بودن نثر - استفاده از عبارات عامیانه و ضرب‌المثل - کم‌بودن لغات و ترکیبات ناآشنای عربی (۰/۵)																																																																																
۳۵	۱) بسیاری از واژه‌ها، کنایات و اصطلاحات عامیانه در آن به کار رفته است. ۲) نثر داستانی تحت تأثیر زبان گفتار و محاوره است. ۳) کوتاهی جملات و کاربرد افعال فراوان در متن دیده می‌شود. ۴) در این متن، گونه‌های نثر فنی و مصنوع جایگاهی ندارند. (به ذکر موارد صحیح دیگر نمره تعلق می‌گیرد.) (۰/۵)																																																																																